

طراحی مدل فرایندی سیاستگذاری فرهنگی در سازمان های فرهنگی ایران

فرشاد رحمتی زنجان طلب

دانشجوی دکتری دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

سید رضا صالحی امیری

استادیار گروه مدیریت و برنامه ریزی امور فرهنگی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
(نویسنده مسئول)

علی اکبر رضایی

استادیار و عضو هیات علمی دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

افسانه زمانی مقدم

دانشیار، گروه مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: ارتقای سطح تصمیم گیری و ایجاد انسجام در فرایند سیاستگذاری با تعیین مناسب مراحل و گام های این فرایند، چارچوب اساسی در مهندسی فرهنگی کشور است که پویایی فرهنگی برای تحقق سیاست های فرهنگی را فراهم می کند. هدف پژوهش، تدوین مدل فرایندی سیاستگذاری فرهنگی برای سازمان های فرهنگی ایران است.

روش پژوهش: از دیدگاه ساختاری، یک پژوهش بنیادی و کاربردی و از دیدگاه روش شناسی یک تحقیق توصیفی و تحلیلی است. در این تحقیق از دو روش کتابخانه ای و کیفی استفاده شده، در روش اول مراحل و گام های فرایند سیاستگذاری از ادبیات تحقیق استخراج و در روش دوم از طریق پرسشنامه و مصاحبه با ۱۵ نفر از خبرگان فرهنگی و تحلیل محتوای مصاحبه ها با بکارگیری سیستم استنباط فازی مدل فرایندی پیشنهادی سیاستگذاری فرهنگی طراحی و روایی پژوهش از طریق اخذ نظرات و پایایی نیز از طریق راهبرد بازخورد نظر مشارکت کنندگان تایید شد.

یافته های پژوهش: شناسایی و تایید مراحل و گام های سیاستگذاری و تعامل و ارتباط مناسب بین مراحل دستورگذاری، تنظیم، تصویب، اجرا، ارزیابی و بازخورد و گام های هر مرحله در مدل طراحی شده از یافته های تحقیق است.

نتیجه گیری: دستاورد این پژوهش، مدلی براساس الگوی فرایندی و سیستمی برای سازمان های فرهنگی است که نه فقط کمبودهای مشخص شده در مدل های موجود بلکه مکانیسمی را برای بهبود فرایند سیاستگذاری فرهنگی در سازمان های فرهنگی ارائه می کند تا آنها بتوانند با بکارگیری تیم های تحلیل گر و تشکیل کمیته های خبرگی، مراحل و گام های فرایند سیاستگذاری فرهنگی در مدل پیشنهادی را سرلوحه کار خود قرار دهند.

کلید واژه ها: "سیاست فرهنگی"، "سازمان فرهنگی"، "فرایند سیاستگذاری فرهنگی"، "تکنیک دلفی فازی"، "مدل سیاستگذاری فرهنگی".

مقدمه

هدف که در بحث خط مشی گذاری و یا سیاستگذاری مفهوم (Policy) مدنظر است. بنابراین وقتی سیاست به معنای (Policy) بکار رود به صورت یک فرآیند، به آن سیاستگذاری (Policy- Making) اطلاق می‌گردد. بنابراین هر دو عبارت سیاست گذاری و خط مشی گذاری، ترجمه (Policy- Making) هستند؛ پس هر دو به یک مفهوم در ادبیات این رشته علمی اشاره می‌کنند.

سیاستگذاری فرهنگی دولت در دو سطح قابل توجه است، سطح اول که Cultural Politics به آن می‌گویند؛ به طور عام بر ارزش‌ها و اصولی اطلاق می‌شود که انسان‌ها را در مسائل فرهنگی هدایت و راهنمایی می‌کند در حقیقت این سیاست‌ها اصول کلی در باره اهداف اصلی و غایی در حوزه فرهنگ را ارائه می‌دهند.

سطح دوم خط‌مشی‌های فرهنگی Cultural Policy است. این خط و مشی‌ها عینی‌تر بوده تدابیر و راهکارهای اجرایی را در اختیار دست اندرکاران قرار می‌دهد که تصمیمات و اقدامات آنان بر زندگی مردم تاثیرگذار است (ذکایی، شفيعی و سادات، ۱۳۸۹).

سیاستگذاری فرهنگی، یک فعالیت برنامه‌ریزی شده و سازمان یافته است که برای حفاظت از ارزش‌ها و محصولات فرهنگی خلق شده، ارتقاء و حمایت از خلاقیت فرهنگی و توسعه عرصه فرهنگی انجام می‌شود. (گاژیک، ۲۰۱۱).

در این راستا براساس مرور ادبیات تحقیق در حوزه مدل‌های موجود و تحقیقات پیشین، مدل براساس الگوی فرایندی و سیستمی طراحی شده تا با شناسایی مراحل‌ها و گام‌های سیاست فرهنگی، بنیانی محکم برای فرایند سیاستگذاری فرهنگی در سازمان‌های فرهنگی ایران را فراهم نموده تا سازمان‌های فرهنگی کشور بتوانند با ارائه سیاست‌های فرهنگی مطلوب به اهداف فرهنگی خود نائل شوند.

بیان مسئله

یکی از مواردی که موجبات عدم پویایی فرهنگی هر کشوری را فراهم می‌آورد، ناکارآمدی سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی در اجرای سیاست‌های فرهنگی است. ایجاد

یکی از نقش‌های اصلی در سطح حاکمیتی نهادهای کلان سیاستگذاری (مجلس شورای اسلامی و به ویژه شورای عالی انقلاب فرهنگی)، تدوین فرایند سیاستگذاری فرهنگی برای سازمان‌های فرهنگی است. از آنجایی که سیاست مجموعه فعالیت‌های هدف‌داری است که فرد یا گروهی از افراد برای حل مشکل یا مسئله‌ای به عمل می‌آورند، عمدتاً تکراری است، به این دلیل که مسائل مربوط به سیاست در حال تغییر است. سیاستگذاری نیز که در جهت حل مشکل انجام می‌شود، بایستی همان مراحل مانند شناسایی و تعریف مسئله، هدف‌گذاری، تولید اقدامات سیاستی، تصمیم‌گیری سیاستی، اجرای سیاست و ارزیابی سیاست را شامل شود.

سیاستگذاری، فرآیندی است که از چندین مرحله تکراری تشکیل شده است که این مراحل را می‌توان از یکدیگر تفکیک کرد. علاوه بر این، عرصه سیاست، محیطی است که بازیگران مختلفی در آن حضور و با یکدیگر تعامل دارند که شامل سیاست‌گذاران، کارآفرینان سیاست و احزاب خارجی هستند. سیاست‌گذاران بازیگرانی هستند که قدرت تصمیم‌گیری دارند. این بدان معناست که آنها می‌توانند تصمیم بگیرند که چه چیزی در دستور کار قرار گرفته یا چه ابزار سیاستی باید اجرا شود (کلین، ۲۰۱۷).

هر یک از مراحل مشخص شده می‌تواند به بخش‌های تشکیل دهنده یا فرایندهای فرعی (گام‌ها) تقسیم شوند. (چامپون و دیگران، ۲۰۱۶).

سیاست فرهنگی نوعی توافق رسمی و اتفاق نظر مسئولان و متصدیان امور در تشخیص، تعیین و تدوین مهمترین اصول و اولویت‌های لازم و ضروری در فعالیت فرهنگی می‌باشد و راهنما و دستورالعملی برای مدیران فرهنگی خواهد بود (صالحی امیری، ۱۳۸۹).

در ادبیات رایج سیاست به دو معنای کلی بکار گرفته می‌شود:

۱- به معنای علم سیاست (Politics)

۲- به معنای تدبیر، مهارت، راه‌حل مساله برای رسیدن به

انسجام در فرایند سیاستگذاری سازمان‌های فرهنگی، یک گام اساسی در مهندسی فرهنگی است، بدین معنی که یکی از چالش‌های فراروی مدیریت کلان فرهنگی کشور، ارتقای سطح تصمیم‌گیری، برای تحقق بخشیدن به سیاست‌های فرهنگی در سازمان‌ها و متولیان امور فرهنگی است. مسئولیتی که در این مقطع حساس تاریخی بر دوش ما قرار گرفته، ایجاد سطح مناسبی از تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری است تا تعارض کارکردی این سازمان‌های فرهنگی را به حداقل برساند.

در جمهوری اسلامی ایران با توجه به ماهیت انقلاب اسلامی که عمده‌ترین فرهنگی است سیاستگذاری فرهنگی در چارچوب فرامین اسلامی و قانون اساسی شکل گرفته است ولی در عرصه عمل، فقدان نظام منسجم تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی فرهنگی در سازمان‌های فرهنگی کشور موجب بروز پیامدهایی چند در عرصه اداره این سازمان‌ها شده است. این پیامدها از عدم نظم در گردش کار فرهنگی جامعه، تا موازی‌کاری و مخدوش‌سازی نظام تقسیم کار فرهنگی در بین سازمان‌های فرهنگی امتداد می‌یابد، به دلیل فقدان یکپارچگی در خصوص مراحل و گام‌های سیاستگذاری فرهنگی، این تحقیق به موضوع مدل فرایندی سیاستگذاری فرهنگی در سازمان‌های فرهنگی ایران می‌پردازد و در نظر دارد به چستی سیستم مذکور پی برده و یا به عبارت دیگر به ماهیت شناسی آن بپردازد، در عین حال در نظر است چگونگی کارکرد سیستم سیاستگذاری فرهنگی، ساختار، اجزاء و ویژگی‌ها و نحوه ترکیب آنها هم مورد واکاوی قرار گیرد. از این‌رو مساله تحقیق را می‌توان چنین بیان نمود که اگر قرار است سیاستگذاری فرهنگی زمینه توسعه فرهنگی و ارتقای فرهنگ جامعه را مهیا سازد چگونه و برچه مبنایی می‌توان این امر را در سازمان‌های فرهنگی مختلف جامعه اجرا نموده و ساز و کارهای تعاملی آن چگونه خواهد بود.

تعیین مدل فرایندی سیاستگذاری فرهنگی در ایران نیازمند مطالعه و مقایسه مدل‌ها و همچنین مراحل

سیاستگذاری فرهنگی شامل: دستورگذاری، شکل‌گیری، تصویب سیاست فرهنگی، اجرای، ارزیابی و بازخورد است. بر این اساس، مطالعه مدل‌های سیاستگذاری، گام ارزشمندی در جهت شفاف‌سازی بیشتر موانع و مشکلات مسیر سیاستگذاری فرهنگی کشور ما است و می‌تواند برای تدوین استراتژی‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی کمک موثری باشد و بر بصیرت ما در مورد آینده سیاستگذاری فرهنگی در سازمان‌های فرهنگی بیافزاید. این بصیرت می‌تواند راهبردهای جایگزین مناسبی را در اختیار صاحب نظران و تصمیم‌گیران بگذارد.

هدف اصلی این مقاله، تدوین مدلی براساس الگوی فرایندی و سیستمی برای سازمان‌های فرهنگی است تا بنیانی محکم برای تعامل و ارتباط مناسب بین فرایندها و گام‌های هر مرحله فراهم نموده تا سازمان‌های فرهنگی کشور با ارائه سیاست‌های فرهنگی مطلوب به اهداف فرهنگی خود نائل شوند.

پرسش اصلی این تحقیق را می‌توان به این صورت بیان نمود: مدل مناسب سیاستگذاری فرهنگی در نهادها و سازمان‌های فرهنگی ایران چه می‌تواند باشد؟ سوالات فرعی این تحقیق به ترتیب زیر است:

- ۱- مسئله یا مشکلی چگونه در دستور کار قرار می‌گیرد؟
 - ۲- تنظیم سیاست فرهنگی (بودجه، امکانات و ...) چگونه انجام می‌شود؟
 - ۳- سیاست‌ها چگونه تصویب می‌شوند و مشروعیت پیدا می‌کنند؟
 - ۴- سیاست‌های فرهنگی چگونه اجرا می‌شوند؟
 - ۵- سیاست‌های فرهنگی چگونه ارزیابی می‌شوند؟
- لازم به توضیح است تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی به سوالات بوده و لذا فرضیه‌ای برای آن قابل ارائه نبوده و محقق در عوض اثبات فرضیات، به دنبال پاسخگویی اکتشافی به سوال تحقیق می‌باشد.

از آنجایی که خط‌مشی‌گذاری فرهنگی زیرمجموعه‌ای از خط‌مشی‌گذاری عمومی است لذا با توجه به عام بودن

فرهنگی که به اهداف فرهنگی خود نائل شوند جایگاه خاصی می‌یابد.

ادبیات پژوهش

لاسول^۱ (۱۹۵۶)، اولین فردی بود که چرخه سیاست را تعریف نمود و مدل هفت مرحله‌ای را جهت سیاستگذاری ارائه نمود: هوشمندی، طرح مسئله، تعیین دستور کار (تعریف مسئله)، فراخوان راه‌حل، اجرا، خاتمه، ارزیابی (جان و وگریچ، ۲۰۰۷).

هتری^۲ و دیگران (۱۹۷۶)، مدل هشت مرحله‌ای را ارائه کرده که مراحل پیشنهادی به این صورت است: تشخیص مسئله، تعیین اهداف مرتبط، انتخاب معیارهای ارزیابی، تعیین گروه مشتری، تعیین گزینه‌ها، تخمین هزینه‌های هر گزینه، تعیین اثر بخشی هر گزینه، ارائه یافته‌ها (هتری و دیگران، ۱۹۷۶).

استوکی و زیکهاوزر^۳ (۱۹۷۸)، مدلی پنج مرحله‌ای را ارائه نمودند که مراحل آن به شرح ذیل است: تعیین مسئله اصلی و اهدافی که باید پیگیری شوند، طراحی حوزه‌های عملیاتی مختلف، پیش‌بینی نتایج هر گزینه، تعیین معیاری برای ارزیابی نحوه دستیابی به گزینه‌ها، مشخص نمودن عمل ارجحی که انتخاب شده است (استوکی و زیکهاوزر، ۱۹۷۸).

مک رای و وایلد^۴ (۱۹۷۹)، پنج مرحله را برای تحلیل سیاست عنوان نمودند: تشخیص مسئله، تعیین گام‌هایی برای انتخاب از میان سیاست‌ها، تولید گزینه‌های مختلف، انتخاب مسیر اقدام، ارزیابی سیاست پس از اجرا (مک رای و وایلد، ۱۹۷۹).

بوکهلز^۵ (۱۹۸۵)، در کتاب خود چرخه سیاست را شامل شش مرحله کامل و جامع زیر دانسته است: بروز مشکل، احساس و درک مشکل، یافتن راه‌حل‌هایی برای مشکل و تنظیم سیاست، تصویب و تایید سیاست، اجرا و کاربرد سیاست (بوکهلز، ۱۹۸۵).

کوید^۶ (۱۹۸۹)، پنج مورد از مهمترین عناصر در چرخه سیاستگذاری را به صورت زیر عنوان می‌نماید: فرمول‌بندی

مدل‌های سیاست عمومی، مدل ارائه شده باید علاوه بر ارتباط همه جانبه با مقوله سیاست فرهنگی در ایران، دارای سطحی از انتزاع باشد که حتی الامکان همه متغیرها و عوامل موثر را در نظر بگیرد. الگویی که بتواند ضمن علمی بودن، پاسخگوی فرصت‌ها و تهدیدهای کشور بوده، آینده فرهنگ کشور را رصد نماید و برنامه‌ریزی متناسب با آن داشته باشد و فرهنگ کشور را به حد متعالی خود نزدیک سازد.

ضرورت و اهمیت پژوهش

با وجودی که برخی از سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی با توجه به ساختار، اهداف و نیازهای خود از مدل‌های داخلی نوشته و نانوخته برای فرایند سیاستگذاری فرهنگی خود استفاده می‌کنند، اما یک مدل مطلوب که تمامی مراحل و گام‌های فرایند سیاستگذاری در آن دیده شده باشد، وجود ندارد. تحقیقات نشان می‌دهد که در برخی از سازمان‌های فرهنگی به مرحله تدوین سیاست توجه نموده و از مراحل اجرا و ارزیابی سیاست غفلت نموده‌اند و در برخی به مرحله اجرا پرداخته و از مراحل ارزیابی و بازخورد بازمانده‌اند. از آنجایی که شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان اتاق فرماندهی سیاستگذاری فرهنگی اهداف، سیاست‌ها و راهبردهای فرهنگی کشور را مشخص، تبیین و هدایت می‌کند، ضرورت دارد سازمان‌ها و موسسات فرهنگی که مجری پیاده‌سازی سیاست‌های فرهنگی برای دستیابی به توسعه پایدار و اهداف فرهنگی کشور می‌باشند با یک مدل مناسب فرایند سیاستگذاری فرهنگی را مورد توجه قرار داده تا در راستای تحقق آن با چالش جدی مواجه نشوند. بنابراین ضرورت ارائه یک مدل فرایندی سیاستگذاری فرهنگی و شناخت نسبی مراحل‌ها و گام‌های موثر در آن فرایند که به سبب آن تعامل و ارتباط مناسبی بین متغیرهای درون سیستم و محیط و همچنین بین فرایندهای تدوین برنامه (دستورگذاری، تنظیم و تصویب سیاست فرهنگی)، اجرا و ارزیابی (فرایندهای ارزیابی و بازخورد سیاست فرهنگی) برقرار گردد برای سازمان‌ها و نهادهای

عنوان چرخه سیاستگذاری معرفی نمود: طرح‌ریزی و احصاء مسائل، شناسایی گزینه‌ها، ارزیابی و انتخاب، تنظیم دیدگاه‌ها، اجرای سیاست‌ها، پایش، ارزیابی حین اجرا و ارزیابی پسین (فاهرنکورگ و دیگران، ۲۰۰۲).

هاولت، رامش و پرل^{۱۳} (۲۰۰۳)، فرایند سیاستگذاری را به پنج مرحله تقسیم کردند: تعریف مسئله و دستورگذاری، تنظیم سیاست (شامل پژوهش‌ها، جمع‌آوری اطلاعات، ابزارهای سیاست اقدامات طراحی سیاست و توصیه‌ها)، تصمیم‌گیری (تنظیم اهداف، طرح‌ریزی، تصمیم‌گیری)، اجرای سیاست، ارزیابی (هاولت و دیگران، ۲۰۰۹).

کرافت و فورلانگ^{۱۴} (۲۰۰۳)، فرایند سیاستگذاری را توالی منطقی فعالیت‌هایی دانسته‌اند که طی آن سیاست‌ها ایجاد می‌شود. توالی منطقی که کرافت و فورلانگ از فرایند سیاستگذاری عنوان کردند شامل پنج مراحل است: تعریف و تحلیل مسئله، تولید گزینه‌های مرتبط با سیاست، توسعه معیارهای ارزیابی سیاست، ارزیابی راه‌حل‌های، انتخاب سیاست ارجح (کرافت و فورلانگ، ۲۰۱۷).

آلتائوس، بریگمن و دیویس^{۱۵} (۲۰۰۴)، چرخه سیاستگذاری استرالیایی را برای فرایند سیاست‌ها مفهوم‌سازی نمودند. آنها فرایند سیاستگذاری را به شرح ذیل و در هشت مرحله تشریح کردند: تبیین معضل یا مشکل، تحلیل سیاست کلی، تدوین سند حاوی سیاست کلی، مشاوره و مشورت در همه مراحل، هماهنگی، اتخاذ تصمیم، به اجرا گذاشتن سیاست کلی و تحلیل و ارزیابی. (آلتائوس و دیگران، ۲۰۱۳)

هیل^{۱۶} (۲۰۰۵)، مدلی نسبتاً جامعی ارائه می‌دهد که شامل مراحل زیر است: بیان مسئله، شناسایی گزینه‌ها، کمی‌سازی گزینه‌ها، بکارگیری ابزارهای تصمیم‌سازی، انتخاب راهکار مناسب، اجرای راهکار منتخب (هیل، ۲۰۰۵).

جان و وگریچ^{۱۷} (۲۰۰۷)، مراحل سیاستگذاری را شامل چهار مرحله برشمردند: دستورگذاری (تعریف مسئله)، تنظیم سیاست‌ها و تصمیم‌گیری، اجرا، ارزیابی و خاتمه (جان و وگریچ، ۲۰۰۷).

مسئله (تعریف)، جستجو برای یافتن گزینه‌ها، پیش‌بینی محیط آینده، مدل‌سازی تاثیرات گزینه‌ها، ارزیابی (مقایسه و درجه‌بندی) گزینه‌ها (کوید، ۱۹۸۹).

لیندبلوم^{۱۸} (۱۹۹۲)، منظور از فرایند سیاستگذاری، تهیه و تدارک پیشنهادها و طرح‌های مختلف برای حل مشکل یا مسئله‌ای خاص و ارائه پیشنهادی برای تصویب با در نظر گرفتن پیشنهادها جایگزین و سپس اجرای آن است. نظارت بر اجرای طرح ذیربط و تعدیل کاستی‌های آن، آخرین مرحله فرایند سیاستگذاری را تشکیل می‌دهد (لیندبلوم، ۱۹۹۲).

بارکنوس^{۱۹} (۱۹۹۸)، پنج مرحله را برای سیاستگذاری بیان نمود: تنظیم جلسه (تعریف مسئله)، تنظیم سیاست، اجرای سیاست، ارزیابی سیاست و بازخورد (بارکنوس، ۱۹۹۸).

ویمر و وینینگ^{۲۰} (۱۹۹۹)، مدل تحلیل سیاست را به دو مولفه اصلی تحلیل مساله و تحلیل راه‌حل تقسیم می‌کنند. مراحل پیشنهادی آنان به این صورت است: تحلیل مسئله (شامل تشخیص مسئله، انتخاب و توصیف اهداف و محدودیت‌های مربوطه، انتخاب روش حل مسئله) و تحلیل راه‌حل (شامل انتخاب معیارارزیابی، مشخص نمودن گزینه‌های سیاست، ارزیابی گزینه‌ها از لحاظ معیارهای موجود، توصیه‌هایی در خصوص فعالیت‌ها). (ویمر و وینینگ، ۱۹۹۸).

والکر^{۲۱} (۲۰۰۰)، مدلی هشت مرحله‌ای ارائه می‌دهد: تشخیص مسئله، تعیین اهداف، تصمیم راجع به معیارها، انتخاب گزینه‌ها، تحلیل گزینه‌ها، مقایسه گزینه‌ها، اجرای گزینه انتخاب شده، پایش و ارزیابی نتایج (والکر، ۲۰۰۰).

پاردون^{۲۲} و دیگران (۲۰۰۱)، چرخه سیاستگذاری را دارای شش مرحله تعیین نمودند: تعیین مسئله، تعیین معیارها، شناسایی گزینه‌ها، ارزیابی و انتخاب، ارزیابی فرایند و ارزیابی پیامدها. در این مدل هر سه نوع ارزیابی پیشین، حین اجرا و پسین مورد توجه قرار گرفته است (پاردون و دیگران، ۲۰۰۱).

فاهرنکورگ^{۲۳} و دیگران (۲۰۰۲)، هشت مرحله را به

را متشکل از شش مرحله بیان نمودند: تعریف و شرح جزئیات مسئله، مشخص کردن گام‌های ارزیابی، شناسایی سیاست‌های مختلف، ارزیابی سیاست‌های مختلف، تمیزدهی و شفاف‌سازی گزینه‌ها و انتخاب از میان آنها، اجرا، پایش و ارزیابی سیاست (بتون و دیگران، ۲۰۱۳).

سکچی^{۲۲} (۲۰۱۴)، فرایند سیاستگذاری را به شش مرحله تقسیم‌بندی می‌کند: تشخیص مسئله یا مشکل، تنظیم دستورگذاری یا تنظیم جایگزین‌ها، تصمیم‌گیری، اجرای سیاست، ارزیابی سیاست و خاتمه سیاست (سکچی، ۲۰۱۴). اپکو و چرمن^{۲۳} (۲۰۱۴)، فرایند سیاستگذاری را شامل شش مرحله می‌دانند: شناسایی مسئله، تنظیم جلسه (تعریف مسئله)، تنظیم گزینه‌های سیاست، قانونی کردن و تایید سیاست، اجرا و ارزیابی. (اپکو و چرمن، ۲۰۱۴).

فریس^{۲۴} (۲۰۱۵)، فرایند سیاستگذاری را دارای پنج مرحله معرفی می‌کند: تنظیم مسئله، شناسایی گزینه‌های سیاست، سیاستگذاری بر مبنای شواهد، افزایش قابلیت‌ها، پایش و ارزیابی (فریس، ۲۰۱۵).

هر یک از مدل‌های فوق بخشی از مراحل و گام‌های سیاستگذاری را تبیین می‌کنند و قادر به تشریح همه ابعاد یک پدیده نیستند. علاوه بر این نمی‌توان گفت که در بین مدل‌های مذکور، کدام یک بهترین است و براساس مسائل و موضوعات مختلف یک مدل تناسب بیشتری پیدا می‌کند. در بسیاری از موارد نیز معمولاً ترکیبی از این مدل‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. مقایسه مدل‌های مختلف سیاستگذاری در جدول (۱) نمایش داده شده است.

لین و دیگران (۲۰۱۰)، مدلی را پیشنهاد نموده‌اند که شامل چهار مرحله می‌باشد: تشکیل کمیته خبرگی، تعیین معیارها، ساخت یک فرمت سلسله مراتبی (سطح اهداف کلان، اهداف جزئی و گزینه‌ها). (لین و دیگران، ۲۰۱۰).

دان (۲۰۱۱)، مراحل سیاستگذاری را شامل هفت مرحله عنوان نمود: تنظیم جلسه (تعریف مسئله)، شناسایی گزینه‌ها، انتخاب، اجرا، ارزیابی، اصلاح سیاست، خاتمه (دان، ۲۰۱۱). کایرنی^{۱۸} (۲۰۱۲)، شش مرحله زیر را در سیاستگذاری تعیین می‌کند: دستورگذاری، تنظیم سیاست، قانون‌گذاری، اجرای سیاست، ارزیابی موفقیت سیاست؛ و نگهداشت، جایگزینی و خاتمه. (ردا، ۲۰۱۸)

وو^{۱۹} و دیگران (۲۰۱۲)، دو مرحله به مراحل پیشنهادی هاوالت و رامش اضافه کردند: تنظیم جلسه (تعریف مسئله)، شناسایی گزینه‌ها، تصمیم‌گیری، قانونی‌سازی، اجرای سیاست، ارزیابی و خاتمه (وو و دیگران، ۲۰۱۲).

دای (۲۰۱۲)، چرخه سیاستگذاری را مشتمل بر شش مرحله معرفی می‌کند: شناخت، درک و بیان مسئله یا مشکل، ارجاع و طرح مسئله، تنظیم و تدوین سیاست، قانونی کردن و مشروعیت بخشیدن به سیاست، ابلاغ و اجرای سیاست، ارزیابی سیاست (دای، ۲۰۱۶).

دنهارت^{۲۰} و دیگران (۲۰۱۳)، فرایند سیاستگذاری را مشتمل بر پنج مرحله بیان نمودند: تعریف مسئله، تنظیم اهداف و معیارها، توسعه گزینه‌ها، تحلیل گزینه‌ها، رتبه‌بندی و انتخاب. (دنهارت و دیگران، ۲۰۱۳). بتون، ساویکی و کلارک^{۲۱} (۲۰۱۳)، فرایند تحلیل سیاست

جدول ۱- مقایسه مدل‌های فرایندی سیاستگذاری

| بازخورد | ارزیابی | | اجرا | | تصویب | تنظیم سیاست | | | دستورگذاری | | مراحل |
|---------|----------|----------|------|---------------------------|--------|-------------|------------------|-----------------------|-------------|-------------------|-------------|
| | ارزیابی | ارزیابی | اجرا | فراهم ساختن زیر ساخت اجرا | | ارزیابی | شناسایی گزینه‌ها | تعیین معیارهای انتخاب | تعریف مسئله | احساس و درک مسئله | |
| بازخورد | بعد اجرا | حین اجرا | اجرا | اجرا | انتخاب | ارزیابی | شناسایی گزینه‌ها | تعیین معیارهای انتخاب | تعریف مسئله | احساس و درک مسئله | گام‌های مدل |
| | | | | | | | | | | | لاسول |

| | | | | | | | | | | |
|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|------------------------------|
| | | | | | | | | | | جان و وگریچ (۲۰۰۷) |
| | | | | | | | | | | لین و دیگران (۲۰۱۰) |
| | | | | | | | | | | دان (۲۰۱۱) |
| | | | | | | | | | | کایرنی (۲۰۱۲) |
| | | | | | | | | | | دای (۲۰۱۲) |
| | | | | | | | | | | وو و دیگران (۲۰۱۲) |
| | | | | | | | | | | پتون و دیگران (۲۰۱۳) |
| | | | | | | | | | | دنهارت و دیگران (۲۰۱۳) |
| | | | | | | | | | | سکچی (۲۰۱۴) |
| | | | | | | | | | | اپکو و چرمن (۲۰۱۴) |
| | | | | | | | | | | فریس (۲۰۱۵) |

همانگونه که مشاهده می‌شود هیچ مدل جامعی که

پیشینه پژوهش

به برخی از تحقیقاتی که در داخل و خارج از کشور در ارتباط با این موضوع صورت گرفته، اشاره می‌شود:

الف- پژوهش انجام شده در ایران:

۱- محمد رضا باقری (۱۳۹۱)، در تحقیق خود به بررسی "تدوین الزامات طراحی سیستم خط‌مشی‌گذاری فرهنگی برای ساخت آگاهانه واقعیت آینده" پرداخته است در این خصوص از روش‌های تحقیق کیفی و کمی

اکثر مراحل و گام‌های فرایند سیاست‌گذاری را در خود داشته باشد وجود ندارد. صاحب نظران علوم سیاسی و مدیریتی نظیر دیگر شاخه‌های علوم، مدل‌های چندی را برای درک مسائل خط‌مشی‌گذاری ارائه کرده‌اند، هر یک از این الگوها مسائل خط‌مشی علل و پیامدهای آن را از دیدگاه‌های مختلف بررسی می‌کنند. در حالی که هیچ یک از این مدل‌ها، بهترین مدل تلقی نمی‌شود، هر یک از آنها دیدگاه‌های مشخصی را درباره مسائل مختلف

دارای هفت مرحله اصلی شامل ایده‌های سیاستی (که از سوی وزرا، بدنه مرکزی دولت و یا کنگره مردمی دریافت می‌شود)، دریافت حمایت از دولت، تهیه پیش نویس اولیه، تنظیم جلسه، پیشنهادات اصلاحی، تایید و اجرا می‌داند. این مدل از ارزیابی‌های پیشین، حین اجرا و پسین و بسیاری مراحل غافل است، اما در عین حال دریافت حمایت از دولت را به عنوان یک مرحله جدید پیشنهاد می‌دهد.

۲- موسسه مالی بریتانیا (۲۰۱۱)، در کتاب "راهنمایی برای ارزیابی"^{۲۶}، برای فرایند سیاستگذاری مدل شش مرحله‌ای را پیشنهاد کرده است که بطور تفصیلی اهداف، مراحل و گام‌های ارزیابی را مورد بررسی قرار داده است. این مراحل شامل موارد زیر است: منطق مداخله، اهداف، ارزشیابی، پایش، ارزیابی و بازخورد. این مدل نواقصی دارد از جمله اینکه نگهداری از اجرای درست سیاست در آن مدنظر قرار نگرفته و هوشمندی در تعیین مسائل آن وجود ندارد.

۳- آلتائوس و همکاران (۲۰۰۴) ایده چرخه سیاست را در استرالیا بیان نمودند. این چرخه یکی از معروفترین مدل‌های سیاست در کشور استرالیا است. این مدل شامل هشت مرحله: شناسایی موضوع یا مسئله، تجزیه و تحلیل سیاست، ابزارهای سیاست، مشاوره، هماهنگی، تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی است که در یک سیکل دایره‌ای دارای رویکرد جاری، دوره‌ای و تکراری است. نتایج مقایسه برخی از پژوهش‌های انجام شده در داخل و خارج از ایران در جدول (۲) نمایش داده شده است.

استفاده گردید. بدین منظور در بخش کیفی تحقیق با بهره‌گیری از مطالعات اسنادی، انجام مصاحبه‌های اکتشافی و روش تجزیه و تحلیل سیستمی مدل مفهومی تحقیق طراحی شد و با استفاده از نمودارهای جریان اطلاعات سیستم مذکور در چهار سطح طراحی گردید و در این تحقیق محقق نتیجه می‌گیرد که الگوی فرایندی سیاستگذاری بهترین الگو می‌باشد.

۲- سحر بابایی (۱۳۹۴)، در تحقیق خود به بررسی "تدوین مدل فرایندی سیاستگذاری در سازمان‌های دولتی" پرداخته است. در پایان محقق نتیجه می‌گیرد که مسئولین و متولیان سیاستگذاری در سازمان‌های دولتی می‌توانند با بکارگیری یک تیم تحلیل‌گر و تشکیل کمیته‌های خبرگی از سکنداران، مدل پیشنهادی را سرلوحه کار خود قرار دهند و نکاتی همچون احساس و ادراک، تعیین ریشه‌ای مسئله، تدوین سیاست، پایش و ارزیابی را مدنظر قرار دهند.

۳- قوی فکر و همکاران (۱۳۹۰)، در تحقیق خود "فرایند چرخه سیاست مدارس هوشمند مالزی" نیز چرخه سیاستگذاری و تحلیل سیاست را شامل پنج مرحله پیشنهاد دادند که این پنج مرحله شامل تشخیص مسئله، تنظیم راه‌حل، اجرا، پایش و ارزیابی می‌باشد. توجه به چشم‌انداز، ماموریت، اهداف کلی، اهداف جزئی، ارزش‌ها در تمام مراحل سیاستگذاری امر مهمی است که در مدل به آن اشاره شده است. توجه به این امور یک عقلانیت است که در مدل‌های قبلی مورد غفلت واقع شده بود.

ب- پژوهش انجام شده در خارج از ایران:

۱- اهرنزه^{۲۵} (۲۰۱۳)، فرایند سیاستگذاری چین را

جدول ۲- مقایسه پژوهش‌ها در ایران و خارج از ایران

| میزان تغییر و اصلاح در دستورگذاری سیاست فرهنگی | میزان تغییر و اصلاح در تنظیم سیاست فرهنگی | میزان تغییر و نحوه تصویب سیاست فرهنگی | میزان تغییر و شیوه اجرای سیاست فرهنگی | میزان تغییر و اصلاح در نحوه ارزیابی | ارزیابی پهن | ارزیابی سیاست | | اجرای سیاست | | تصویب | | تنظیم سیاست | | دستورگذاری | | سال مطالعه | نظریه پرداز | ردیف |
|--|---|---------------------------------------|---------------------------------------|-------------------------------------|-------------|---|--|---|------------|-------------|---|--|------------------|------------|---------|------------|-------------------|------|
| | | | | | | ارزیابی میزان تحقق سیاست فرهنگی با چشم انداز فرهنگی | ارزیابی تأثیرات سیاست فرهنگی بر جامعه (پایه) | ارزیابی تأثیرات سیاست فرهنگی بر گروه های هدف (اثر بخشی) | پایش سیاست | اجرای سیاست | اجرای سیاست فرهنگی توسط نهادهای دولتی، تعاونی، مدنی و خصوصی | تدوین بخشنامه ها، آیین نامه هاو دستورالعمل های اجرایی مرتبط با | برنامه ریزی اجرا | تصمیم گیری | هماهنگی | | | |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۲۰۱۲ | باقری | ۱ |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۲۰۱۵ | بابایی | ۲ |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۲۰۱۱ | قوی فکر و همکاران | ۳ |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۲۰۱۳ | کشورچین | ۴ |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۲۰۰۳ | کشوراسترالیا | ۵ |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۲۰۱۱ | کشوربریتانیا | ۶ |

روش پژوهش

قدم آن است که مجموعه‌ای از سوالات یا گویه‌هایی در باره مسایل را از ادبیات موضوع تهیه نموده و آن را برای تمامی اعضای "پانل دلفی" ارسال نماییم و از آنان می‌خواهیم که درجه اهمیت آن گویه‌ها را مشخص کنند. (سرمد و دیگران، ۱۳۹۵).

جامعه آماری این تحقیق شامل ۱۵ نفر خبره ایرانی دانشگاهی و با تجربه و سابقه علمی و اجرایی در مسائل سیاستگذاری در شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد که به طور هدفمند انتخاب گردیده‌اند.

در این نوع از نمونه‌گیری (نمونه‌گیری هدفمند) می‌توان از افراد، رویدادها، فضاها و موقعیت‌ها نمونه‌گیری کرد. براساس این نوع از نمونه‌گیری، برای گردآوری اطلاعات، محقق با افرادی تماس برقرار می‌کند که در زمینه موضوع تحت بررسی یا جنبه‌هایی از آن دارای اطلاعات و شناخت مناسب و کافی باشند.

(محمدپور و رضایی، ۱۳۸۷)

در بررسی آمار توصیفی، متغیرهای جمعیت شناختی ۱۵ خبره ایرانی در پنج متغیر جنسیت، مدرک تحصیلی،

این تحقیق، با توجه به ماهیت متغیرها از دیدگاه ساختاری، یک پژوهش بنیادی و کاربردی و از دیدگاه روش شناسی یک تحقیق توصیفی است که از تکنیک دلفی فازی برای تایید مراحل و گام‌های فرایند سیاستگذاری فرهنگی استفاده شده است. در تحقیق حاضر به منظور گرد آوری داده‌ها از دو روش کتابخانه‌ای و کیفی استفاده شده است. در روش کتابخانه‌ای با توجه به ادبیات و پیشینه تحقیق و ابزارهای کتاب، پایان نامه‌ها، مقالات، جستجوی اینترنتی و... مراحل و گام‌های فرایند سیاستگذاری استخراج و در روش کیفی نیز از طریق مصاحبه و پرسشنامه با بکارگیری تکنیک دلفی فازی مراحل و گام‌های فرایند تایید و در ادامه از طریق تحلیل محتوای مصاحبه‌ها مدل فرایندی سیاستگذاری فرهنگی تدوین گردید.

زمانی که بخواهیم در باره اتفاق نظر یک جمع صاحب نظر در باره موضوعی خاصی به بررسی پردازیم از روش دلفی استفاده می‌شود. برای این منظور اولین

سن، سابقه علمی و اجرایی و شغل کاری به شرح جدول (۳) نشان داده شده است.

جدول ۳- ویژگی‌ها و متغیرهای جمعیت شناختی خبرگان فرهنگی

| عناوین | جنسیت | | مدرک تحصیلی | | سن | سابقه علمی و اجرایی | | | شغل | |
|--------|-------|----|-------------|------|----|---------------------|---------------|-------------|--------------|--------------|
| | مرد | زن | دکتر | دکتر | | بیشتر از ۴۵ سال | کمتر از ۵ سال | بین ۵ تا ۱۶ | مدیر و معاون | مدیر و معاون |
| نفر | ۹ | ۶ | ۹ | ۶ | ۱۳ | ۲ | ۳ | ۶ | ۹ | ۶ |
| درصد | ۶۰ | ۴۰ | ۶۰ | ۴۰ | ۸۶ | ۱۴ | ۲۰ | ۴۰ | ۶۰ | ۴۰ |

فرهنگی از ادبیات نظری تحقیق استخراج شده و از طریق مصاحبه با ۱۵ نفر از خبرگان فرهنگی و با بکارگیری سیستم استنباط فازی^{۲۸} مدل پیشنهادی سیاستگذاری فرهنگی مورد تایید قرار گرفت. در تحقیق حاضر برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به ادبیات و پیشینه تحقیق در مطالعه کتابخانه‌ای از ابزارهای کتاب، پایان‌نامه‌ها و جستجوی اینترنتی و در روش کیفی از پرسشنامه استاندارد و محقق ساخته در مصاحبه با خبرگان فرهنگی استفاده شده است. سنجش روایی از طریق اخذ نظرات خبرگان فرهنگی با استفاده از تکنیک دلفی فازی و سنجش پایایی از راهبرد بازخورد نظر مشارکت کنندگان تایید گردید.

یک سیستم استنباط فازی را می‌توان مجموعه‌ای از ورودی‌های فازی، قواعد فازی و خروجی یا خروجی‌های فازی دانست که می‌تواند داده‌های اولیه را به صورت دقیق یا قطعی بپذیرد و خروجی نهایی را نیز به صورت اعداد دقیق و غیر فازی ارائه دهد. (قاسمی، ۱۳۹۲).

زمانی که بخواهیم در باره اتفاق نظر یک جمع صاحب‌نظر در باره موضوعی خاصی به بررسی بپردازیم از روش دلفی استفاده می‌شود. برای این منظور اولین قدم آن است که مجموعه‌ای از سوالات یا گویه‌هایی در باره مسایل را از ادبیات موضوع تهیه نموده و آن را برای تمامی اعضای "پانل دلفی" ارسال نماییم واز آنان می‌خواهیم که درجه اهمیت آن گویه‌ها را مشخص کنند. (سرمد و دیگران، ۱۳۹۵) به هنگام تحلیل فازی از نوع خاصی از متغیرها نام برده می‌شود که به آن متغیرهای کلامی یا زبانی می‌گویند.

برای سنجش روایی از طریق اخذ نظرات خبرگان فرهنگی با تکنیک دلفی فازی و برای سنجش پایایی این تحقیق، از راهبرد "بازخورد مشارکت کننده" استفاده شده که طی آن، تفسیر گفته‌های مشارکت کنندگان و نتایج حاصل از تحلیل آن‌ها و همچنین مدل نهایی به دست آمده از تحلیل تمامی مصاحبه‌ها به مشارکت کنندگان عرضه شد و موارد بددرک شده، تعیین و اصلاح گردید.

چارچوب نظری، مدل فرایندی سیاستگذاری فرهنگی و یافته‌های پژوهش

چارچوب نظری این تحقیق برگرفته از نظریات میشل کرافت و اسکات ریچارد فورلانگ (۲۰۰۳) می‌باشد که از جامعیت نسبی برخوردار هستند. کرافت و فورلانگ فرایند سیاست را توالی منطقی فعالیت‌هایی دانسته‌اند که طی آن سیاست‌ها ایجاد می‌شود. آنها از این توالی منطقی به عنوان مدل فرایند سیاست یاد کرده‌اند که به دلیل داشتن مفاهیم و زبان کلی، در فرهنگ‌های مختلف انطباق پذیر است.

توالی منطقی که کرافت و فورلانگ در این فرایند بیان نمودند شامل این مراحل است: تعریف مشکل، دستورگذاری، تهیه و تنظیم سیاست، مشروعیت بخشی^{۲۷}، اجرا، ارزیابی، و تغییر و خاتمه (کرافت و فورلانگ، ۲۰۱۷). از دیدگاه ساختاری، یک پژوهش بنیادی و کاربردی و از دیدگاه روش‌شناسی یک تحقیق توصیفی و تحلیلی است. این تحقیق ترکیبی است که به منظور گردآوری داده‌ها از دو روش کتابخانه‌ای و کیفی استفاده شده است. فرایند تحقیق بدین صورت است که مراحل و گام‌های سیاستگذاری

یکی از روش‌های پر کاربرد استفاده از فرمول مینکووسکی است که با استفاده از آن اعداد فازی مزبور به اعداد قطعی معادل شده که در جدول ۲ مشاهده می‌شود. در رابطه زیر m بیان کننده بالاترین درجه عضویت، α بیان کننده حد (مرز) بالا و β بیان کننده حد (مرز) پایین است. در جدول زیر اعداد فازی قطعی شده با استفاده از فرمول مینکووسکی به شکل زیر محاسبه شده است:

$$+ \frac{\beta - \alpha}{4} X = m \quad \text{فرمول ۱}$$

متغیرهایی که ارزش‌های مختلف آن به جای اعداد، کلمات هستند و پانل دلفی خبرگان فرهنگی ایرانی از طریق متغیرهای کلامی نظیر خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد میزان موافقت خود را ابراز نموده‌اند.

بنابر شرایط تحقیق و نوع داده‌های مورد استفاده، در نهایت لازم است که فرآیند دلفی فازی که یک سری اعداد فازی مثلثی نامتقارن هستند به اعداد قطعی که قابل استفاده در تصمیم‌گیری باشد تبدیل شوند؛ روش‌هایی که بدین منظور به کار برده می‌شوند با نام عمومی روش‌های فازی زدایی^{۲۹} خوانده می‌شوند. (کوره پزان دزفولی، ۱۳۸۷)

جدول ۴- اعداد فازی مثلثی متغیرهای کلامی

| متغیرهای کلامی | عدد فازی مثلثی (m, α, β) | عدد فازی قطعی شده (X) |
|----------------|-------------------------------------|-------------------------|
| خیلی زیاد | (۱, ۰/۲۵, ۰) | (۰/۹۳۷۵) |
| زیاد | (۰/۷۵, ۰/۱۵, ۰/۱۵) | ۰/۷۵ |
| متوسط | (۰/۵, ۰/۲۵, ۰/۲۵) | ۰/۵ |
| کم | (۰/۲۵, ۰/۱۵, ۰/۱۵) | ۰/۲۵ |
| خیلی کم | (۰, ۰, ۰/۲۵) | ۰/۰۶۲۵ |

فرمول ۲ $A_i = (a_1^{(i)}, a_2^{(i)}, a_3^{(i)})$, $i = 1, 2, 3, \dots, n$

فرمول ۳ $A_{ave} = (\frac{1}{n} \sum_{i=1}^n a_1^{(i)}, \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n a_2^{(i)}, \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n a_3^{(i)})$

فرمول ۴ $S(A_{m2}, A_{m1}) = \frac{1}{3} [(\alpha m21 + \alpha m22 + \alpha m23) - (\alpha m11 + \alpha m12 + \alpha m13)]$

در این رابطه A_i بیانگر دیدگاه خبره i ام و A_{ave} بیانگر میانگین دیدگاه‌های خبرگان فرهنگی است. نتایج این محاسبات در جدول (۵) زیر آمده است.

در نخستین مرحله نظر سنجی مدل فرایندی همراه با شرح مراحل و گام‌ها به اعضای گروه خبره ارسال گردیده و میزان موافقت آنها با هر کدام از مراحل و گام‌ها و ترتیب قرارگیری آنها در مدل اخذ شده و نقطه نظرات پیشنهادی و اصلاحی آنها جمع‌بندی شده است. با توجه به گزینه‌های پیشنهادی و متغیرهای کلامی تعریف شده در پرسشنامه، نتایج حاصل از بررسی پاسخ‌های ارائه شده در جدول (۵) ارائه گردیده است و میانگین فازی هر کدام از گام‌ها با توجه به روابط زیر محاسبه شده است:

جدول ۵- میانگین دیدگاه‌های خبرگان فرهنگی حاصل از نظر سنجی نخست

| گام‌ها | میانگین فازی مثلثی (m, α, β) | میانگین فازی زدایی شده (X) |
|--|---|------------------------------|
| ۱ طرح و بیان مشکل یا مسائل فرهنگی | ۰/۱۱ ۰/۱۶ ۰/۸۰ | ۰/۷۹ |
| ۲ ارجاع مسائل فرهنگی به سازمان‌های متولی | ۰/۱۳ ۰/۱۶ ۰/۷۲ | ۰/۷۱ |
| ۳ تحلیل مسائل فرهنگی (تحلیل دستاورد و هزینه مسئله) | ۰/۰۳ ۰/۱۵ ۰/۹۴ | ۰/۹۱ |

| | | | | | |
|------|------|------|------|--|----|
| ۰/۷۹ | ۰/۸۰ | ۰/۱۵ | ۰/۰۹ | اولویت‌گذاری مسائل فرهنگی | ۴ |
| ۰/۶۵ | ۰/۶۶ | ۰/۱۵ | ۰/۱۳ | ارائه راه‌حل‌های پیشنهادی و برقراری معیارهای ارزیابی | ۵ |
| ۰/۸۲ | ۰/۸۴ | ۰/۱۵ | ۰/۰۶ | ارزیابی راه‌حل‌های پیشنهادی | ۶ |
| ۰/۶۶ | ۰/۶۷ | ۰/۱۶ | ۰/۱۱ | انتخاب سیاست فرهنگی از بین گزینه‌های مختلف | ۷ |
| ۰/۵۸ | ۰/۵۸ | ۰/۱۶ | ۰/۱۴ | طراحی سیاست‌های فرهنگی | ۸ |
| ۰/۸۲ | ۰/۸۴ | ۰/۱۶ | ۰/۰۸ | پذیرش سیاست فرهنگی | ۹ |
| ۰/۷۸ | ۰/۸۰ | ۰/۱۵ | ۰/۰۷ | جلب حمایت سیاسی و پشتیبانی برای تصویب سیاست فرهنگی | ۱۰ |
| ۰/۸۴ | ۰/۸۷ | ۰/۱۵ | ۰/۰۶ | قانونی نمودن سیاست فرهنگی در مجلس و یا نهاد سیاستگذاری فرهنگی | ۱۱ |
| ۰/۷۶ | ۰/۷۷ | ۰/۱۶ | ۰/۱۰ | ابلاغ مصوبه سیاست فرهنگی به قوای سه‌گانه مجریه، مقننه و قضائیه | ۱۲ |
| ۰/۲۹ | ۰/۲۹ | ۰/۱۲ | ۰/۱۵ | تدوین بخشنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی مرتبط با سیاست فرهنگی | ۱۳ |
| ۰/۶۵ | ۰/۶۶ | ۰/۱۶ | ۰/۱۴ | اجرای سیاست فرهنگی توسط نهادهای دولتی، تعاونی، مدنی و خصوصی | ۱۴ |
| ۰/۸۸ | ۰/۹۱ | ۰/۱۶ | ۰/۰۵ | نظارت بر نحوه اجرای سیاست فرهنگی | ۱۵ |
| ۰/۸۵ | ۰/۸۷ | ۰/۱۶ | ۰/۰۶ | ارزیابی منافع حاصله به نسبت منابع و هزینه‌های صرف شده (کارایی) | ۱۶ |
| ۰/۴۵ | ۰/۴۴ | ۰/۱۷ | ۰/۱۸ | ارزیابی تأثیرات سیاست فرهنگی بر گروه‌های هدف (اثر بخشی) | ۱۷ |
| ۰/۷۱ | ۰/۲۱ | ۰/۰۹ | ۰/۱۳ | ارزیابی تأثیرات سیاست فرهنگی بر جامعه (پیامد) | ۱۸ |
| ۰/۷۳ | ۰/۷۵ | ۰/۲۱ | ۰/۱۲ | ارزیابی میزان تحقق سیاست فرهنگی با چشم‌انداز فرهنگی | ۱۹ |
| ۰/۶۶ | ۰/۶۸ | ۰/۲ | ۰/۱۴ | ارزیابی کسب رضایت عمومی و ارتقای فرهنگ جامعه | ۲۰ |
| ۰/۶۳ | ۰/۶۱ | ۰/۲۱ | ۰/۱۵ | میزان تغییر و اصلاح در شیوه ارزیابی | ۲۱ |
| ۰/۷۱ | ۰/۷۳ | ۰/۲۱ | ۰/۱۳ | میزان تغییر و اصلاح در شیوه اجرا | ۲۲ |
| ۰/۶۲ | ۰/۶۳ | ۰/۲۱ | ۰/۱۷ | میزان تغییر و اصلاح در نحوه تصویب سیاست فرهنگی | ۲۳ |
| ۰/۴۱ | ۰/۴۱ | ۰/۱۷ | ۰/۱۹ | میزان تغییر و اصلاح در تنظیم سیاست فرهنگی | ۲۴ |
| ۰/۴۸ | ۰/۴۸ | ۰/۱۹ | ۰/۱۹ | میزان تغییر و اصلاح در دستورگذاری | ۲۵ |

در جدول فوق میانگین فازی مثلثی با استفاده از فرمول (۲) محاسبه شده و سپس با استفاده فرمول مینکوسکی فازی‌زدایی شده است. میانگین قطعی بدست آمده نشان دهنده شدت موافقت خبرگان فرهنگی با هر کدام از گام‌های مدل فرایندی تحقیق است. در مرحله دوم نظر سنجی، پرسشنامه دوم تهیه

گردیده و با توجه تغییرات اعمال شده در گام‌ها، مجدداً به سوالات ارائه شده پاسخ دادند که نتایج شمارش پاسخ‌های ارائه شده در مرحله دوم همچون مرحله اول با استفاده از فرمول‌های شماره ۲، ۱ و ۳ مورد تحلیل قرار گرفته و در جدول (۶) ارائه شده است.

جدول ۶- میانگین دیدگاه‌های خبرگان فرهنگی حاصل از نظر سنجی مرحله دوم

| میانگین فازی زدایی شده (X) | میانگین فازی مثلثی (m, α, β) | | | گام‌ها |
|----------------------------------|---------------------------------|------|------|--|
| ۰/۹۰ | ۰/۹۳ | ۰/۱۵ | ۰/۰۴ | طرح و بیان مشکل یا مسائل فرهنگی |
| ۰/۸۷ | ۰/۸۹ | ۰/۱۵ | ۰/۰۵ | ارجاع مسائل فرهنگی به سازمان‌های متولی |
| ۰/۹۲ | ۰/۵۹ | ۰/۱۵ | ۰/۰۳ | تحلیل مسائل فرهنگی (تحلیل دستاورد و هزینه مسئله) |

| | | | | | |
|------|------|------|------|--|----|
| ۰/۸۲ | ۰/۸۳ | ۰/۱۵ | ۰/۰۸ | اولویت گذاری مسائل فرهنگی | ۴ |
| ۰/۸۲ | ۰/۸۴ | ۰/۱۵ | ۰/۰۸ | ارائه راه حل های پیشنهادی و برقراری معیارهای ارزیابی | ۵ |
| ۰/۸۹ | ۰/۹۲ | ۰/۱۵ | ۰/۰۴ | ارزیابی راه حل های پیشنهادی | ۶ |
| ۰/۸۷ | ۰/۹۰ | ۰/۱۶ | ۰/۰۵ | انتخاب سیاست فرهنگی از بین گزینه های مختلف | ۷ |
| ۰/۸۵ | ۰/۸۸ | ۰/۱۵ | ۰/۰۵ | طراحی سیاست های فرهنگی | ۸ |
| ۰/۹۰ | ۰/۹۳ | ۰/۱۶ | ۰/۰۴ | پذیرش سیاست فرهنگی | ۹ |
| ۰/۹۱ | ۰/۹۴ | ۰/۱۵ | ۰/۰۳ | جلب حمایت سیاسی و پشتیبانی برای تصویب سیاست فرهنگی | ۱۰ |
| ۰/۹۱ | ۰/۹۴ | ۰/۱۶ | ۰/۰۴ | قانونی نمودن سیاست فرهنگی در مجلس و یا نهاد سیاستگذاری فرهنگی | ۱۱ |
| ۰/۸۰ | ۰/۸۱ | ۰/۱۶ | ۰/۱۰ | ابلاغ مصوبه سیاست فرهنگی به قوای سه گانه مجریه، مقننه و قضاییه | ۱۲ |
| ۰/۲۱ | ۰/۲۱ | ۰/۰۹ | ۰/۱۳ | تدوین بخشنامه ها، آیین نامه ها و دستورالعمل های اجرایی مرتبط با سیاست فرهنگی | ۱۳ |
| ۰/۶۹ | ۰/۲۴ | ۰/۱۱ | ۰/۱۴ | اجرای سیاست فرهنگی توسط نهادهای دولتی، تعاونی، مدنی و خصوصی | ۱۴ |
| ۰/۸۱ | ۰/۷۳ | ۰/۱۶ | ۰/۱۲ | نظارت بر نحوه اجرای سیاست فرهنگی | ۱۵ |
| ۰/۸۹ | ۰/۹۵ | ۰/۱۵ | ۰/۰۳ | ارزیابی منافع حاصله به نسبت منابع و هزینه های صرف شده (کارایی) | ۱۶ |
| ۰/۵۲ | ۰/۹۵ | ۰/۱۶ | ۰/۰۳ | ارزیابی تاثیرات سیاست فرهنگی بر گروه های هدف (اثر بخشی) | ۱۷ |
| ۰/۵۱ | ۰/۲۱ | ۰/۰۹ | ۰/۱۳ | ارزیابی تاثیرات سیاست فرهنگی بر جامعه (پیامد) | ۱۸ |
| ۰/۷۲ | ۰/۷۳ | ۰/۱۶ | ۰/۱۲ | ارزیابی میزان تحقق سیاست فرهنگی با چشم انداز فرهنگی | ۱۹ |
| ۰/۶۵ | ۰/۶۶ | ۰/۱۶ | ۰/۱۴ | ارزیابی کسب رضایت عمومی و ارتقای فرهنگ جامعه | ۲۰ |
| ۰/۶۵ | ۰/۶۶ | ۰/۱۶ | ۰/۱۴ | میزان تغییر و اصلاح در شیوه ارزیابی | ۲۱ |
| ۰/۷۷ | ۰/۸۹ | ۰/۱۵ | ۰/۰۵ | میزان تغییر و اصلاح در شیوه اجرا | ۲۲ |
| ۰/۸۲ | ۰/۸۳ | ۰/۱۵ | ۰/۰۸ | میزان تغییر و اصلاح در نحوه تصویب سیاست فرهنگی | ۲۳ |
| ۰/۷۹ | ۰/۸۰ | ۰/۱۵ | ۰/۰۹ | میزان تغییر و اصلاح در تنظیم سیاست فرهنگی | ۲۴ |
| ۰/۵۷ | ۰/۸۱ | ۰/۱۶ | ۰/۱۰ | میزان تغییر و اصلاح در دستورگذاری | ۲۵ |

با توجه به فرمول شماره ۴، میزان اختلاف بین مراحل اول و دوم در جدول (۷) نمایش داده شده است:

جدول ۷- میزان اختلاف دیدگاه خبرگان در نظر سنجی مرحله اول و دوم

| اختلاف مرحله اول و دوم | مرحله دوم | مرحله اول | گام ها | رتبه |
|------------------------|-----------|-----------|--|------|
| ۰/۱۱ | ۰/۹۰ | ۰/۷۹ | طرح و بیان مشکل یا مسائل فرهنگی | ۱ |
| ۰/۱۶ | ۰/۸۷ | ۰/۷۱ | ارجاع مسائل فرهنگی به سازمان های متولی | ۲ |
| ۰/۰۱ | ۰/۹۲ | ۰/۹۱ | تحلیل مسائل فرهنگی (تحلیل دستاورد و هزینه مسئله) | ۳ |
| ۰/۰۳ | ۰/۸۲ | ۰/۷۹ | اولویت گذاری مسائل فرهنگی | ۴ |
| ۰/۱۷ | ۰/۸۲ | ۰/۶۵ | ارائه راه حل های پیشنهادی و برقراری معیارهای ارزیابی | ۵ |
| ۰/۰۷ | ۰/۸۹ | ۰/۸۲ | ارزیابی راه حل های پیشنهادی | ۶ |
| ۰/۲۱ | ۰/۸۷ | ۰/۶۶ | انتخاب سیاست فرهنگی از بین گزینه های مختلف | ۷ |
| ۰/۲۷ | ۰/۸۵ | ۰/۵۸ | طراحی سیاست های فرهنگی | ۸ |
| ۰/۰۸ | ۰/۹۰ | ۰/۸۲ | پذیرش سیاست فرهنگی | ۹ |
| ۰/۱۳ | ۰/۹۱ | ۰/۷۸ | جلب حمایت سیاسی و پشتیبانی برای تصویب سیاست فرهنگی | ۱۰ |

| | | | | |
|------|------|------|--|----|
| ۰/۰۷ | ۰/۹۱ | ۰/۸۴ | قانونی نمودن سیاست فرهنگی در مجلس و یا نهاد سیاستگذاری فرهنگی | ۱۱ |
| ۰/۰۴ | ۰/۸۰ | ۰/۷۶ | ابلاغ مصوبه سیاست فرهنگی به قوای سه گانه مجریه، مقننه و قضائیه | ۱۲ |
| ۰/۰۸ | ۰/۲۱ | ۰/۲۹ | تدوین بخشنامه‌ها، آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی مرتبط با سیاست فرهنگی | ۱۳ |
| ۰/۰۴ | ۰/۶۹ | ۰/۶۵ | اجرای سیاست فرهنگی توسط نهادهای دولتی، تعاونی، مدنی و خصوصی | ۱۴ |
| ۰/۰۷ | ۰/۸۱ | ۰/۸۸ | نظارت بر نحوه اجرای سیاست فرهنگی | ۱۵ |
| ۰/۰۴ | ۰/۸۹ | ۰/۸۵ | ارزیابی منافع حاصله به نسبت منابع و هزینه‌های صرف شده (کارایی) | ۱۶ |
| ۰/۰۷ | ۰/۵۲ | ۰/۴۵ | ارزیابی تأثیرات سیاست فرهنگی بر گروه‌های هدف (اثر بخشی) | ۱۷ |
| ۰/۲۰ | ۰/۵۱ | ۰/۷۱ | ارزیابی تأثیرات سیاست فرهنگی بر جامعه (پیامد) | ۱۸ |
| ۰/۰۱ | ۰/۷۲ | ۰/۷۳ | ارزیابی میزان تحقق سیاست فرهنگی با چشم انداز فرهنگی | ۱۹ |
| ۰/۰۱ | ۰/۶۵ | ۰/۶۶ | ارزیابی کسب رضایت عمومی و ارتقای فرهنگ جامعه | ۲۰ |
| ۰/۰۲ | ۰/۶۵ | ۰/۶۳ | میزان تغییر و اصلاح در شیوه ارزیابی | ۲۱ |
| ۰/۰۶ | ۰/۷۷ | ۰/۷۱ | میزان تغییر و اصلاح در شیوه اجرا | ۲۲ |
| ۰/۴۱ | ۰/۸۲ | ۰/۶۲ | میزان تغییر و اصلاح در نحوه تصویب سیاست فرهنگی | ۲۳ |
| ۰/۰۷ | ۰/۷۹ | ۰/۴۱ | میزان تغییر و اصلاح در تنظیم سیاست فرهنگی | ۲۴ |
| ۰/۰۹ | ۰/۵۷ | ۰/۴۸ | میزان تغییر و اصلاح در دستورگذاری | ۲۵ |

خصوص گام‌های فوق متوقف گردید.

۳- نظر سنجی مرحله سوم:

در این مرحله ضمن اعمال تغییرات لازم در گام‌های مدل، پرسشنامه سوم تهیه گردیده و همراه با نقطه نظر قبلی هر فرد و میزان اختلاف آنها با میانگین دیدگاه سایر خبرگان مجدداً به خبرگان فرهنگی ارسال گردید.

با توجه به فرمول‌های شماره‌های یک، دو و سه میانگین دیدگاه‌های خبرگان فرهنگی حاصل از نظرسنجی سوم در جدول (۸) آمده است:

با توجه به دیدگاه‌های ارائه شده در مرحله اول و

مقایسه آن با نتایج این مرحله، در صورتی که اختلاف بین دو مرحله کمتر از حد آستانه خیلی کم (۰/۱) باشد در این صورت فرایند نظرسنجی متوقف می‌شود (چنگ لین، ۲۰۰۲).

همانگونه که جدول فوق نشان می‌دهد در گام‌های

کمتر از (۰/۱) اعضای گروه خبره به وحدت نظر رسیده اند و میزان اختلاف نظر در مراحل اول و دوم کمتر از حد آستانه خیلی کم (۰/۱) بوده، لذا نظرسنجی در

جدول ۸- میانگین دیدگاه‌های خبرگان فرهنگی حاصل از نظر سنجی سوم

| گام‌ها | میانگین فازی مثلثی (m, α, β) | | | میانگین فازی زدایی شده (X) |
|--|---|------|------|----------------------------|
| ۱ طرح و بیان مشکل یا مسائل فرهنگی | ۰/۰۴ | ۰/۱۵ | ۰/۹۳ | ۰/۹۱ |
| ۲ ارجاع مسائل فرهنگی به سازمان‌های متولی | ۰/۰۵ | ۰/۱۵ | ۰/۹۱ | ۰/۸۹ |
| ۳ ارائه راه حل‌های پیشنهادی و برقراری معیارهای ارزیابی | ۰/۰۸ | ۰/۱۶ | ۰/۸۵ | ۰/۸۳ |
| ۴ انتخاب سیاست فرهنگی از بین گزینه‌های مختلف | ۰/۰۵ | ۰/۱۵ | ۰/۹۰ | ۰/۸۸ |
| ۵ طراحی سیاست‌های فرهنگی | ۰/۰۵ | ۰/۱۶ | ۰/۹۱ | ۰/۸۸ |
| ۶ جلب حمایت سیاسی و پشتیبانی برای تصویب سیاست فرهنگی | ۰/۰۳ | ۰/۱۵ | ۰/۹۵ | ۰/۹۲ |
| ۷ ارزیابی تأثیرات سیاست فرهنگی بر جامعه (پیامد) | ۰/۰۵ | ۰/۱۵ | ۰/۸۸ | ۰/۵۹ |
| ۸ میزان تغییر و اصلاح در نحوه تصویب سیاست فرهنگی | ۰/۰۸ | ۰/۱۶ | ۰/۸۵ | ۰/۸۱ |

| | | | | | |
|---|---|------|------|------|------|
| ۹ | میزان تغییر و اصلاح در تنظیم سیاست فرهنگی | ۰/۰۵ | ۰/۱۵ | ۰/۹۱ | ۰/۶۴ |
|---|---|------|------|------|------|

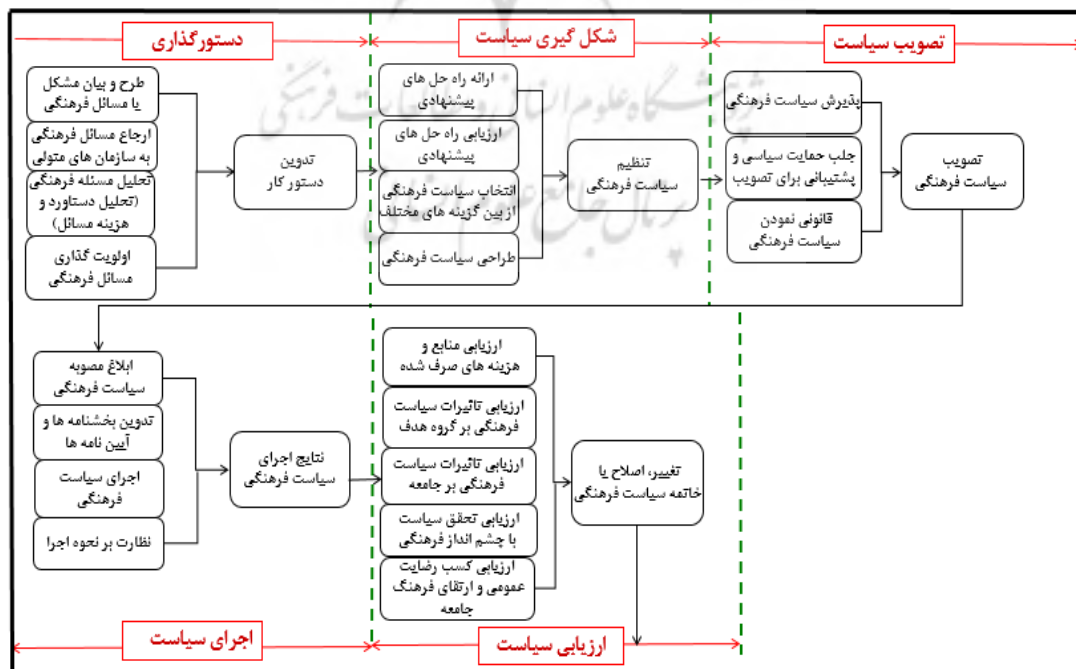
با توجه به فرمول شماره چهار، میزان اختلاف نظر خبرگان فرهنگی در مراحل دوم و سوم در جدول (۹) نشان داده می‌شود:

جدول ۹- میزان اختلاف دیدگاه خبرگان در نظر سنجی مرحله دوم و سوم

| گام‌ها | مرحله دوم | مرحله سوم | اختلاف مرحله دوم و سوم |
|--|-----------|-----------|------------------------|
| ۱ طرح و بیان مشکل یا مسائل فرهنگی | ۰/۹۰ | ۰/۹۱ | ۰/۰۱ |
| ۲ ارجاع مسائل فرهنگی به سازمان‌های متولی | ۰/۸۷ | ۰/۸۹ | ۰/۰۲ |
| ۳ ارائه راه‌حل‌های پیشنهادی و برقراری معیارهای ارزیابی | ۰/۸۲ | ۰/۸۳ | ۰/۰۱ |
| ۴ انتخاب سیاست فرهنگی از بین گزینه‌های مختلف | ۰/۸۷ | ۰/۸۸ | ۰/۰۱ |
| ۵ طراحی سیاست‌های فرهنگی | ۰/۸۵ | ۰/۸۸ | ۰/۰۳ |
| ۶ جلب حمایت سیاسی و پشتیبانی برای تصویب سیاست فرهنگی | ۰/۹۱ | ۰/۹۲ | ۰/۰۱ |
| ۷ ارزیابی تأثیرات سیاست فرهنگی بر جامعه (پیامد) | ۰/۵۱ | ۰/۵۹ | ۰/۰۸ |
| ۸ میزان تغییر و اصلاح در نحوه تصویب سیاست فرهنگی | ۰/۷۷ | ۰/۸۱ | ۰/۰۴ |
| ۹ میزان تغییر و اصلاح در شکل‌گیری سیاست فرهنگی | ۰/۵۷ | ۰/۶۴ | ۰/۰۷ |

همانطور که جدول فوق نشان می‌دهد میزان اختلاف نظر خبرگان در مراحل دوم و سوم کمتر از حد آستانه (۰/۱) می‌باشد و لذا نظرسنجی در این مرحله متوقف می‌شود و تمامی گام‌های سیاستگذاری فرهنگی مورد قبول واقع می‌گردند.

مدل فرایندی سیاستگذاری فرهنگی پژوهش حاضر به شکل نمودار (۱) نشان داده شده است. این مدل، ابزاری مفهومی است که شامل مجموعه‌ای از مراحل و گام‌ها و ارتباط آن‌ها بوده و منطبق بر نهادها و سازمان‌های فرهنگی جهت سیاستگذاری فرهنگی را نشان می‌دهد.



نمودار ۱- مدل فرایندی سیاستگذاری فرهنگی در سازمان‌های فرهنگی ایران منبع: نگارنده

می‌باشند در دستور کار سیاستگذاری قرار دهند (برکلند، ۲۰۰۷).

گام ۲: ارجاع مسائل فرهنگی به سازمان‌ها و موسسات متولی: سازمان‌های سیاستگذاری فرهنگی در ایران بایستی برای تشخیص مسائل و روند نیازهای فرهنگی و شناسایی آن در راستای واقعیت‌های موجود و درحال ظهور نقش فعالی را به عهده گیرند و پس از اینکه ضرورت طرح مسائل فرهنگی به عنوان "یک مشکل نیازمند بررسی" مطرح شد، برای ارجاع آن به سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی دولتی، مردمی و خصوصی اقدام نمایند و برای تعیین مسائل اولویت‌دار فرهنگی باید راه‌حل‌های مسئله فرهنگی را براساس دامنه، عمق و وسعت تاثیرگذاری آن مورد بررسی قرار دهند.

گام ۳: تحلیل مسائل فرهنگی (تحلیل دستاورد و هزینه مسائل): در این مرحله نهاد سیاست‌گذار با در نظر گرفتن شرایط و عوامل مختلف، هزینه‌ها و دستاوردهای مسئله را بررسی نموده و تصمیم می‌گیرد که مسئله در دستور کار رسمی قرار گیرد و برای یافتن راه حل تلاش نماید یا اینکه با رد مسئله از پذیرش آن سرباز زده و از ورود آن به دستور کار رسمی نهاد سیاستگذاری جلوگیری می‌نماید.

گام ۴: اولویت‌گذاری مسائل فرهنگی: تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران فرهنگی و مسئولان سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی، دامنه و وسعت تاثیرگذاری افراد تحت تاثیر، آینده‌نگر بودن مسئله، داخلی، منطقه‌ای و یا جهانی بودن مسئله را مورد بررسی قرار داده و با مسائل قبلی که هنوز در دستور کار رسمی قرار دارند و راجع به آن تصمیم‌گیری نشده است مقایسه نموده و نهایتاً اولویت مسئله را روشن می‌نماید.

۲- مرحله تنظیم سیاست فرهنگی و گام‌های آن

تنظیم سیاست، شامل تجزیه و تحلیل مسئله و شناسایی پیشنهادها و سیاست برای حل مسائل شناسایی شده است. این فرایند در وزارتخانه‌های دولتی، گروه‌های ذی‌نفع، کمیته‌های قانون‌گذاری، کمیسیون‌های ویژه و اتاق‌های فکر

در این مدل سعی شده که تمام مراحل و گام‌های مهم و تاثیرگذار سیاستگذاری پوشش داده شود. فرایند اصلی مدل سیاستگذاری فرهنگی را می‌توان در شش مرحله و بیست و پنج گام دسته‌بندی نمود که به شرح ذیل است:

۱- مرحله دستورگذاری و گام‌های آن

در ادبیات موجود توافق کلی وجود دارد که فرایند سیاستگذاری با تنظیم دستور کار آغاز می‌شود که شناسایی مشکل یا مسئله هم نامیده می‌شود. دستورگذاری معمولاً بر اولین مرحله چرخه سیاست متمرکز می‌شود که بعد از آن مراحل تنظیم سیاست، تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی می‌آید. (جان و وگریچ، ۲۰۰۷).

مرحله دستورگذاری مرحله‌ای است که در آن سیاست‌گذاران تصمیم می‌گیرند با توجه به اهمیت نسبی هر موضوع برچه موضوع یا موضوعاتی تمرکز کنند. در ابتدا باید مسئله یا مشکل را تعریف نمود. مسئله، موقعیت یا وضعیتی است که در راه رسیدن به هدف تعیین شده مانع ایجاد می‌نماید. (استونر و فریمن نقل از پارسایان و اعرابی، ۱۳۹۳).

گام‌های مرحله دستورگذاری عبارت است از: طرح و بیان مشکل یا مسائل فرهنگی، ارجاع مسائل فرهنگی به سازمان‌های متولی، تحلیل مسائل فرهنگی، اولویت‌گذاری مسائل فرهنگی (باقری اصل و پورعزت، ۱۳۹۱).

گام ۱: طرح و بیان مشکل یا مسائل فرهنگی: در این روش، سیاست‌گذار به شناسایی و تعریف دقیق مشکل فرهنگی می‌پردازد؛ اساس کار سیاست‌گذاری با بیان مشکلی عینی یا بحرانی اجتماعی است نه آرمان‌ها و اهداف کلی. به بیان دقیق‌تر، اهداف و آرمان‌ها در ارتباط با مشکل خاص فرهنگی و تحدید حدود آن تعریف می‌شود.

از آنجا که پتانسیل محدودی در بین جامعه و نهادهای سیاسی برای رسیدگی و پاسخ به تمام مسائل و مشکلات سیاسی ممکن وجود دارد، بازیگران سعی می‌کنند موضوعات سیاسی مهمی را که در بحث سیاسی برجسته

انجام می‌شود (دای، ۲۰۱۶).

تنظیم خط‌مشی، مرحله‌ای از خط‌مشی‌گذاری است که راه‌حل‌های مختلف جهت حل مسئله توافق شده مورد بررسی قرار می‌گیرد و نهایتاً یک راه‌حل نهایی به عنوان خط‌مشی به صورت قانونی تصویب گردیده و ابلاغ می‌شود. تنظیم خط‌مشی عبارت است از ایجاد و توسعه مجموعه‌ای از اقدامات موثر و توافق شده به منظور آنچه در دستورکار خط‌مشی قرار گرفته و اتخاذ تصمیم راجع به آن (دانش فرد، ۱۳۸۹).

در این مرحله با برخورداری از نظریات کارشناسی، وضعیت اجتماعی-اقتصادی، فرهنگی، تعهدات و مسئولیت‌ها، ارزش‌های حاکم بر جامعه و دیگر عوامل مربوط، مسئله یا مشکل فرهنگی بررسی و تجزیه و تحلیل می‌شود. حاصل این فعالیت‌ها دستیابی به گزینه‌ها و راه‌حل‌های مطلوب برای رفع مشکل است که با در نظر گرفتن همه جوانب مسئله به شکل‌دهی، تهیه و تدوین سیاست عمومی می‌انجامد (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۳). سیاست‌ها نه تنها توسط مقامات رسمی در دولت بلکه توسط کسانی که تحت تأثیر قرار می‌گیرند، علاقه مند یا متخصص در این موضوع هستند، تدوین می‌شوند (میلر و دمیر، ۲۰۰۷).

مقامات دولتی بازیگران اصلی در فرایند سیاست‌گذاری هستند، اما نقش آنها به موضوع سیاست و زمینه نهادی آن بستگی دارد. به دلیل پیچیدگی چالش‌های سیاست‌گذاری، دولت‌ها با تعاملات رسمی و غیررسمی به طور فزاینده‌ای بازیگران غیردولتی را نیز در این فرایند گنجانده‌اند (پستوف و دیگران، ۲۰۱۲).

در ایران تنظیم سیاست‌های فرهنگی بر تمرکز بیش از حد بر سازمان‌ها و مراجع تصمیم‌گیرنده دولتی می‌باشد. در چنین حالتی میزان مشارکت بخش خصوصی و تشکل‌های مردمی به حداقل رسیده و این امر از غنای سیاست‌های فرهنگی تنظیم شده به نحو قابل ملاحظه‌ای می‌کاهد.

ارزیابی پیشین: یک مرحله اضافی تحت عنوان پیش ارزیابی سیاست به چرخه سیاست اضافه می‌شود، که در آن ارزیابی پایدار ابزارهای سیاست با توجه به اهداف زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی ملی انجام می‌شود و رویکردهای پیشنهادی مقایسه می‌شوند (چامپون و دیگران، ۲۰۱۶).

گام‌های مرحله تنظیم عبارت است از: ارائه راه‌حل‌های پیشنهادی ممکن یا برقراری معیارهای ارزیابی، ارزیابی راه‌حل‌های پیشنهادی، انتخاب سیاست فرهنگی از بین گزینه‌های مختلف، طراحی سیاست فرهنگی (دانش فرد، ۱۳۸۸).

گام ۱: ارائه راه‌حل‌های پیشنهادی ممکن یا برقراری معیارهای ارزیابی: در این مرحله با توجه به مهمترین اهداف خط‌مشی و روش حل مسئله معیارهای مرکزی مسئله، جنبه‌ها و وجوهی از مسئله که با هر کدام از گروه‌های ذینفع، گروه‌های فشار و یا شهروندان و... ارتباط دارند، باید تعیین گردیده و ارزش و اهداف عینی، نتایج مطلوب و نامطلوب روشن شود. خط‌مشی گذار یا تحلیل‌گر، نیازمند گزینه‌های خلاق و جدیدی است که بتواند به وسیله آنها، مسئله را حل کند.

گام ۲: ارزیابی راه‌حل‌های پیشنهادی: تحلیل‌گران خط‌مشی هر کدام از راه‌حل‌ها را با توجه به نتایج بلند مدت و کوتاه مدتی که برای آنها متصور است و میزان انطباق آنها با اهداف خط‌مشی را ارزیابی می‌کنند. تحلیل‌گر قضاوت می‌کند که با توجه به ضرورت حل مسئله و منابع خط‌مشی، چگونه می‌توان این راه‌حل را اجرا نمود. ارزیابی امکان اجرایی بودن، گام مهمی است که در بین مراحل خط‌مشی بیشترین وقت و حتی دقت بر روی آن گذاشته می‌شود. زیرا خط‌مشی‌ای که قابلیت اجرایی نداشته باشد، نمی‌تواند مسئله را حل کند و ارزش ندارد (دانش فرد، ۱۳۸۸). در این گام تحلیل‌گران برای ارزیابی راه‌حل‌های پیشنهادی از تجارب برتر سایر کشورهای موفق نیز استفاده می‌کنند.

گام ۳: انتخاب سیاست فرهنگی از بین گزینه‌های

خاص یا جوامع سیاسی مانند اتاق‌های فکر (ارشاد، ۲۰۱۷)، اتحادیه‌های کسب و کار (باتیستی و پری، ۲۰۱۵) یا محققان (ساباتیر و ویبل، ۲۰۰۷) تغییر یافته است (وو و دیگران، ۲۰۱۸).

در این مرحله می‌توان در گام‌های پذیرش سیاست فرهنگی، جلب حمایت سیاسی برای تصویب سیاست فرهنگی و قانونی نمودن سیاست فرهنگی باید از شفافیت، مشروعیت و مقبولیت لازم برخوردار باشد و با سیاست‌های فرهنگی مصوب قبلی، قانون اساسی و یا سایر قوانین منافاتی نداشته باشد و در ضمن از حمایت مردمی هم برخوردار بوده و با فرهنگ موجود جامعه سازگار باشد.

گام‌های مراحل تصویب عبارت است از: پذیرش سیاست فرهنگی، جلب حمایت سیاسی برای تصویب سیاست فرهنگی در نهاد سیاستگذاری فرهنگی و قانونی نمودن سیاست فرهنگی.

گام ۱: پذیرش سیاست فرهنگی: امر پذیرش و اینکه چه مراجعی بررسی خط‌مشی را انجام می‌دهند، مسئله محوری و اصلی علت وجودی یک نهاد سیاسی است. این موضوع مسائلی نظیر قدرت و اختیار، توافق، تعهد و مسئولیت، پشتیبانی و در واقع طیف وسیعی از روابط دولت با مردم و مشکلات آنان را در بر می‌گیرد.

گام ۲: جلب حمایت سیاسی و پشتیبانی برای تصویب سیاست فرهنگی: در این گام ذی‌نفعان تصویب سیاست‌های فرهنگی با گفتگو و تعامل با دیگر نمایندگان مجلس و یا اعضای نهادهای سیاستگذار فرهنگی سعی می‌کنند که نظرات آنها را جلب نمایند. بدین ترتیب این مسئله با آنچه ما در اینجا قانونی کردن می‌نامیم همبستگی دارد تا با حمایت و پشتیبانی سیاست‌گذاران از تصویب سیاست‌های فرهنگی، اقدامات و فعالیت‌های مرتبط توسط سازمان‌ها و موسسات فرهنگی صورت گیرد.

یافته‌های تحقیقی که در نیوزلند در مورد سازمان‌های کوچک و متوسط انجام شد نشان می‌دهد که این گفتمان سیاسی غالب است که بر چگونگی عملکرد سیاست

مختلف: انتخاب از بین گزینه‌های مختلف را مرحله تصمیم‌گیری در سیاستگذاری می‌گویند که در این مرحله پس از بررسی هریک از گزینه‌ها و تبعات احتمالی آن، گزینه مناسب، به عنوان راه‌حل بهتر انتخاب می‌شود. در این مرحله بسیاری از راه‌حل‌های بالقوه باید به نحوی غربال و تنها یک یا چند راه‌حل محدود انتخاب شوند (قلی‌پور و پورآهنگر، ۱۳۸۹)

گام ۴: طراحی سیاست فرهنگی: این گام در حقیقت به این سیاست‌ها مشروعیت سیاسی می‌دهد و به تعبیر رایج، بودجه و برنامه‌های سیاست فرهنگی را تعیین می‌نماید. در مورد ابزارها و ساز و کارهای اجرای خط‌مشی نیز باید در مرحله تنظیم، آگاهی‌های لازم وجود داشته باشد. اختیارات لازم برای واحدهای مجری، ایجاد انگیزه کافی در آنان برای اجرا، ظرفیت‌سازی و توانمندسازی آنان و تامین بودجه و امکانات عملیاتی از جمله نکاتی است که باید در مرحله تنظیم خط‌مشی مدنظر سیاستگذاران باشد. مراجع خط‌مشی گذار اگر از توجه به امکانات اجرایی غفلت کنند مسلماً به تدوین خط‌مشی اقدام خواهند کرد که در عمل با شکست روبرو می‌گردد (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۳).

۳- مرحله تصویب سیاست فرهنگی و گام‌های آن

در هر نظام حکومتی، حداقل دو شکل از قانونی شدن مورد بحث قرار می‌گیرد. در ابتدا موضوعی که مطرح می‌شود این است که چه کسانی فرایندهای اصلی سیاسی را که شامل پذیرش پیشنهادها مشخصی برای حل مشکلات عمومی است را مورد تایید و تصویب قرار می‌دهند. در گام دوم، فرایندها و مراحل مشخصی که در آن برنامه‌های سازمان‌ها به تصویب می‌رسند مورد نظر است. گام اول را پذیرش و گام دوم را قانونی نمودن می‌گویند (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۳).

مدتهاست که در تحقیقات فرآیند سیاستگذاری این سوال که چه کسانی بازیگران اصلی درگیر در توسعه سیاست هستند، مطرح شده است، اما اخیراً تمرکز از بازیگران سیاست به طور گسترده‌تر به گروه‌های ذینفع

نهادهای دولتی، خصوصی و عمومی، نظارت بر اجرا. گام ۱: ابلاغ مصوبه سیاست فرهنگی به قوای سه‌گانه مجریه، مقننه و قضاییه: سیاست فرهنگی تصویب شده در مرحله قبل، در ابتدای این مرحله از سوی نهادهای سیاست‌گذار کلان (شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجمع تشخیص مصلحت نظام) به قوای سه‌گانه (مقننه، مجریه و قضاییه) و دستگاه‌های تابعه ابلاغ می‌شود تا هر کدام براساس ساز و کارهای لازمه نقش سیستمی خود را در پیاده‌سازی و اجرای آن سیاست ایفا نمایند. بدیهی است در این مسیر سیاست‌های خرد به تبعیت از سیاست‌های کلان تهیه و آنهایی که واجد نتایج کارا و موفق باشند به مرحله بعد وارد می‌شوند.

گام ۲: تدوین بخشنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی مرتبط با سیاست فرهنگی: بعد از تفسیر و تبیین مواد و مصوبات قانونی، مرحله اصلی اجرای آنها جهت برطرف ساختن مسائل و مشکلات فرهنگی شروع می‌شود. در این مرحله ابلاغ و کاربردی نمودن قوانین و مصوبات یک فرایند پویاست که در آن مجریان قوای سه‌گانه مجریه، مقننه و قضاییه با تدوین بخشنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی مرتبط با سیاست فرهنگی براساس استانداردها، ضوابط برنامه‌ها و به طور مشخص شرایط واقعی برای اجرای قوانین، مصوبه‌ها و سیاست‌های فرهنگی اقدام می‌نمایند.

گام ۳: اجرای سیاست فرهنگی توسط نهادهای دولتی، خصوصی و مردمی: سیاست‌گذاری در زیر سیستم‌های خاص حوزه سیاست در حال انجام است که به طور موازی و کمتر مستقل از یکدیگر عمل می‌کنند. سیستم‌های فرعی شامل تعداد زیادی از بازیگران است که با مسائل خاص سیاست برخورد می‌کنند. فرآیندهای سیاستی در این زیر سیستم‌ها فقط توسط بازیگران دولتی کنترل نمی‌شود، بلکه با تعاملات بازیگران دولتی و خصوصی نیز انجام می‌شوند (ویبل و ساباتیر، ۲۰۱۸).

یکی از مدل‌های مهم، مدل انتخاب عمومی است این

سازمان‌ها یعنی برنامه‌های خاص آنها تأثیر می‌گذارد. به نظر نمی‌رسد که زمینه اقتصادی - اجتماعی تأثیر مستقیمی بر روند توسعه سیاست‌ها داشته باشد. اما در عوض، تأثیر آن از طریق شکل دادن به گفتمان سیاسی غیرمستقیمی است که به نوبه خود توسط افراد کلیدی و ذی‌نفوذی اعمال می‌شود که روند سیاست را پیش می‌برند (جورادو و باتیستی، ۲۰۱۹).

گام ۳: قانونی نمودن سیاست فرهنگی: به طور کلی قانونی کردن را به مثابه "مشروعیت همسویی و سازگاری با اصول و ضوابط قابل قبول" تعریف می‌نمایند و فرایند اصلی و مردمی برای این امر، برخورداری از آراء اکثریت نمایندگان مجلس است (الوانی، ۱۳۹۵).

۴- مرحله اجرای سیاست فرهنگی و گام‌های آن

دای معتقد است که اجرا، شامل تمامی فعالیت‌های طرح‌ریزی شده برای انجام خط‌مشی‌ها می‌باشد (دای، ۲۰۱۶).

لازمه اجرای موفق سیاست‌ها، وفاق بین مراجع سیاست‌گذاری و اجرا است که در واقع فاصله نظری و عملی، باعث ایجاد تعارض دیدگاهی بین "مجریان واقع‌نگر" و "سیاست‌گذاران آرمان‌گرا" و درک متفاوت از سیاست‌ها می‌شود و در این میان، سیاست‌ها، مجال لازم را برای اجرا نمی‌یابد. اگر بین بخشنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی به منظور تنظیم رویه‌های اجرایی سیاست فرهنگی با مصوبات سیاست فرهنگی و همچنین بین حجم فعالیت‌ها و منابع سرمایه‌گذاری در اجرای سیاست فرهنگی تناسب وجود داشته باشد و سیاست فرهنگی ابلاغی به نهادهای دولتی، تعاونی، مدنی و خصوصی بایستی لازم‌الاجرا باشند (قلی‌پورو پوراآهنگر، ۱۳۸۹).

گام‌های مراحل اجرا عبارت است از: ابلاغ مصوبه سیاست فرهنگی به قوای سه‌گانه مجریه، مقننه و قضاییه، تدوین بخشنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی مرتبط با سیاست فرهنگی، اجرای سیاست فرهنگی توسط

مورد ارزیابی قرار گیرد:

۱- خروجی‌های ارزیابی (کارایی): ارزیابی منافع به وجود آمده از سیاست‌های فرهنگی به نسبت منابع و هزینه‌های صرف شده برای دستیابی به آن منافع.

۲- آثار ارزیابی (اثربخشی): در ارزیابی مشخص می‌شود که آیا اهداف از پیش تعیین شده حاصل شده و مسئله‌ای که سیاستگذاری فرهنگی به دنبال حل آن بوده حل شده است یا خیر.

۳- پیامدهای ارزیابی: در ارزیابی پیامدها، عواقب بلند مدت سیاست‌های فرهنگی بررسی می‌شود.

عنصر نهایی که در فرایند سیاستگذاری بسیار مهم است، موقتی بودن زمان آن است، یعنی زمان لازم برای تبدیل خروجی‌ها به پیامدهای سیاست. موقتی بودن یک ویژگی اصلی در فرایند سیاستگذاری است (ویبل و کارتر، ۲۰۱۷).

گام‌های مرحله ارزیابی عبارت است از: ارزیابی منابع و هزینه‌های صرف شده (کارایی)، ارزیابی تأثیرات فرهنگی بر گروه هدف (اثربخشی)، ارزیابی تأثیرات سیاست فرهنگی بر جامعه (پیامد)، ارزیابی تحقق سیاست فرهنگی با چشم انداز فرهنگی، ارزیابی کسب رضایت عمومی و ارتقای فرهنگ جامعه.

گام ۱: ارزیابی منابع و هزینه‌های صرف شده (کارایی): کارایی ناظر به میزان مصرف منابع برای نیل به اهداف تعیین شده است.

کارایی به معنای دستیابی به اهداف برنامه، با اولویت‌بندی استانداردهای تعیین شده با کمترین نسبت هزینه و سود ممکن است. در این ارزیابی، هزینه-منفعت برنامه‌ها و یا پروژه‌ها با یکدیگر مقایسه شده و بهترین منفعت انتخاب می‌شود (ریبریو و پاسادور، ۲۰۱۹).

مفهوم کارایی نقشی اساسی در مطالعات تخمین منافع و هزینه‌ها یا نرخ بازگشت سرمایه‌ها دارد که اغلب برای تعیین امکان سنجی اقتصادی یا مطلوب بودن سیاست‌های عمومی استفاده می‌شود. بررسی اینکه هزینه‌های مالی و

مدل، حداکثر واگذاری‌ها را در اجرای سیاست‌های فرهنگی به بخش خصوصی دنبال می‌کند و بر این باور است که بیشینه‌سازی منافع دیوان‌سالاران دولتی، عاملی است که به بزرگ‌تر شدن دستگاه اداری دولت می‌انجامد از این‌رو می‌توان چنین استدلال کرد که بخش‌های دولتی در حوزه فرهنگ نیز در پی بیشینه‌سازی منافع خود، به بزرگ‌تر کردن بخش اداری دامن می‌زنند. از این‌رو خصوصی‌سازی، تفویض اختیارات، رقابت، کارآفرینی، مقررات‌زدایی و تأکید بر افزایش کیفیت خدمات بایستی در اجرای سیاست‌های فرهنگی دنبال شود.

گام ۴: نظارت بر نحوه اجرا: در فرایند اجرای یک خط‌مشی، اهداف آن ممکن است به طور عمده مورد تجدید نظر قرار گیرد. این موضوع را والتر ویلیامز بدین صورت بیان می‌کند: بغرنج‌ترین مسئله اجرا این است که بعد از اتخاذ تصمیم برای اجرای عملیات و فعالیت‌ها، آن گونه عمل شود که تشابهی معقول و منطقی با آنچه که در مورد آن تصمیم گرفته شده وجود داشته باشد و بتواند در چارچوب آن به خوبی عمل کند (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۳ به نقل از ویلیام ۱۹۷۵).

۵- مرحله ارزیابی سیاست فرهنگی و گام‌های آن

برای ارزیابی سیاست فرهنگی میزان تناسب بین سیاست فرهنگی با چشم‌انداز فرهنگی باید مکانیسمی وجود داشته باشد که اجزای آن تامین‌کننده پاسخ‌گویی به شهروندان، میزان کمی دستیابی به اهداف و نیز میزان کارایی سیاست‌ها را نشان دهد تا اقدامات لازم برای اصلاح صورت پذیرد. گام‌های مزبور باید به طور مستمر مورد ارزیابی قرار گرفته و کسب رضایت عمومی و ارتقای فرهنگ جامعه توسط سازمان‌های ارزیابی‌کننده رصد شود.

رویکرد نسبی‌گرا در ارزیابی معتقد است هیچ بهترین مدلی برای انجام ارزیابی وجود ندارد و روش‌ها و مدل‌های ارزیابی باید متناسب با موقعیت باشد (چن، ۲۰۰۵).

در ارزیابی سیاست‌های فرهنگی لازم است سه موضوع

ارزیابی به طور قابل توجهی به مسئولان خطمشی گذار کمک می‌کند (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۳).

گام ۴: ارزیابی تحقق سیاست فرهنگی با چشم‌انداز فرهنگی: برای سیاست فرهنگی، اهداف کلان و چشم‌انداز خاصی در نظر گرفته می‌شود. ارزیابی این امکان را فراهم می‌آورد تا عملکرد و درصد تحقق سیاست فرهنگی را با چشم‌انداز و اهداف کلان تعیین شده مقایسه نموده و میزان انطباق آنها و یا شکاف عملکردی را روشن نماید. سنجش میزان برطرف شدن نیاز فرهنگی و اندازه‌گیری عملکرد نهادهای سیاست گذار از طریق سنجش میزان تحقق اهداف صورت می‌گیرد.

گام ۵: ارزیابی کسب رضایت عمومی و ارتقای فرهنگ جامعه: در شناخت قابلیت‌ها، ضرورت‌ها و نیازهای عرصه فرهنگی و اجتماعی جامعه و کارکردهای جامعه در این عرصه؛ سیاست‌گذاری فرهنگی مهم‌ترین نقش را به عهده دارد، هم در تبیین موقعیت فرهنگی و اجتماعی جامعه و هم در تدوین گام‌های ارتقاء فرهنگی و اجتماعی و هم در ارزیابی کارکرد جامعه در تحقق برنامه‌های ارتقاء فرهنگی و اجتماعی و هم در ایجاد و تقویت نگرش و گرایش بینش آحاد جامعه در مقوله امور فرهنگی و اجتماعی.

۶- مرحله بازخورد و یادگیری و گام‌های آن

این مرحله وظیفه دارد نارسایی‌ها و اشکالات را در تمام فرایند سیاست فرهنگی اعم از تدوین، اجرا و ارزیابی تشخیص دهد و دریافت نماید و سپس آنها را جهت اصلاح و تغییر سیاست به مراحل قبلی سیستم برگشت دهد.

بازخورد مداوم سبب می‌شود تا ضمن جلوگیری از اقدامات انحرافی و خارج از چارچوب تعریف شده، یادگیری دو حلقه‌ای نیز حاصل شود (قلی‌پور و پورآهنگر، ۱۳۸۹).

بازخورد منظم سیاست‌های فرهنگی تنها از سوی واحدهای نظارتی قوه مقننه، مجریه و قضاییه صورت می‌گیرد و بخش خصوصی و نهادهای مردمی از جمله

اقتصادی بوده یا سیاسی می‌باشد و آیا هزینه‌ها دائمی می‌باشند یا موقتی، از اهداف ارزیابی خطمشی می‌باشد. گرچه سنجش چنین هزینه‌هایی و تطبیق آن با نتایج کار بسیار مشکل و پیچیده و در بعضی مواقع غیر ممکن است (دانش فرد، ۱۳۸۸).

بسیار مهم است که در نظر بگیری بازنگری در قوانین چگونه باعث تغییر رفتار بازیگران می‌شود و در نتیجه در تخصیص منابع تاثیر می‌گذارد (ویبل و ساباتیر، ۲۰۱۸).

گام ۲: ارزیابی تاثیرات سیاست فرهنگی بر گروه هدف (اثر بخشی): ارزیابی اثرات که تاثیر خطمشی‌ها را بر روی گروه‌های مختلف که خطمشی‌ها بر آنها اثر می‌گذارند را بررسی می‌کند. تعیین گروه‌های هدف به معنای تعریف بخشی از جمعیت افرادی است که برنامه برای آنها در نظر گرفته می‌شود.

هزینه - اثر بخشی^{۳۲}، شیوه‌های جایگزینی اقدام به منظور انتخاب برنامه‌ها یا پروژه‌هایی که اهداف را با کمترین هزینه محقق می‌سازد، مقایسه می‌کند (ریبریو و پاسادور، ۲۰۱۹).

گام ۳: ارزیابی تاثیرات سیاست فرهنگی بر جامعه (پیامد): پیامدهای خطمشی که بعضی مواقع نتایج خطمشی نیز نامیده می‌شود، تاثیرات برنامه‌ریزی شده یا نشده بر روی جامعه است. گروه‌ها و افراد تحت تاثیر ممکن است از قبل تعیین شده باشند که جامعه هدف نامیده می‌شود یا ممکن است بر افراد یا گروه‌هایی تاثیر داشته باشد که از قبل برنامه‌ریزی نشده باشد.

هزینه- سودمندی^{۳۳} که نه تنها هزینه‌ها و منافع، بلکه درک از کیفیت زندگی یا تاثیر اجتماعی بر جامعه هدف را مقایسه می‌کند. (همان)

در این مورد تاکید اساسی بر سیستماتیک بودن فعالیت‌های ارزیابی است تا مسئولان تصمیم‌گیری برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و کاربرد آنها در فرایند خطمشی‌گذاری نهایت استفاده را ببرند. در این روند استفاده از تکنیک‌ها یا روش‌های علمی، روش تحقیق و

گام ۲: تغییر و اصلاح شیوه اجرا؛ این حالت نشان می‌دهد که در اجرای سیاست فرهنگی کمبودها و تنگناهایی وجود داشته و این مشکلات موجب عدم اجرای سیاست‌ها گردیده است. در چنین حالتی باید اصلاحاتی در شیوه‌های اجرایی سیاست‌های فرهنگی صورت گیرد.

گام ۳: تغییر و اصلاح در نحوه تصویب سیاست فرهنگی؛ در یک حالت دیگر ممکن است سیاست‌های فرهنگی از جهت محتوی، مشکلاتی را نشان دهد که در این صورت سیاست‌گذاران فرهنگی باید در آن تجدید نظر کرده و مصوبات فرهنگی جدیدی را به صورت قانونی در آورند.

گام ۴: تغییر و اصلاح در تنظیم سیاست فرهنگی؛ سیاست‌های فرهنگی ممکن است نشان دهنده آن باشد که مشکل به درستی شناسایی نشده و باید تعریف مجددی از آن به عمل آید و براساس تعریف جدید راه‌حل‌های تازه‌ای تنظیم و ارائه گردند.

گام ۵: تغییر و اصلاح در دستورگذاری؛ در آخرین حالت ممکن است ارزیابی، مساله فرهنگی جدیدی را مطرح سازد و دستور کار تازه‌ای را برای سیاست‌گذاران فرهنگی بوجود آورد.

نتایج مقایسه مراحل و گام‌های مدل‌های سیاستگذاری دانشمندان و محققان با مدل پیشنهادی این تحقیق در جدول (۱۰) نشان داده شده است.

جراید و رسانه‌ها باید نقش بسیار فعالی را در این مرحله ایفا نمایند تا با اصلاح و تجدید نظر در تمام مراحل اعم از تدوین، اجرا و ارزیابی موجبات بهبود عملکرد دستگاه‌های فرهنگی اعم از دولتی، غیر دولتی و مردمی را فراهم آورد.

گام‌های مرحله بازخورد و یادگیری عبارت است از: میزان تغییر و اصلاح در شیوه ارزیابی، میزان تغییر و اصلاح در شیوه اجرا، میزان تغییر و اصلاح در نحوه تصویب سیاست فرهنگی، میزان تغییر و اصلاح در تنظیم سیاست فرهنگی و میزان تغییر و اصلاح در دستورگذاری.

گام ۱: تغییر و اصلاح نحوه ارزیابی؛ در تلاش برای بهبود عملیاتی است که در طول اجرای برنامه‌ها و خط‌مشی‌ها به اجرا در می‌آیند. از طریق ارزیابی فرایندی فعالیت‌ها و اقدامات و رویه‌های اجرایی مربوط به خط‌مشی مورد بررسی قرار گرفته و اشکالات و نقایص کشف می‌شوند. در این روش ارزیابی، برکارایی روش‌ها تاکید می‌شود و تلاش می‌شود با رفع نقص قوانین و مقررات و نحوه عمل فعالیت‌ها، برنامه‌ها و خط‌مشی‌های در حال اجرا بهبود یابد. ارزیابی فرایند از نوع نظارت رسمی و اداری است که از میزان صحت اجرای قوانین و مقررات، تحقیق و بازرسی به عمل می‌آورد. این ارزیابی ساز و کارهایی که مناسب‌تری برای انجام کار را دارند مشخص می‌نماید و به ساده‌سازی، موثرسازی و اصلاح مقررات موجود کمک می‌کند (دانش‌فرد، ۱۳۸۸)

جدول ۱۰- مقایسه مدل‌های موجود در زمینه سیاستگذاری با مدل پیشنهادی سیاستگذاری فرهنگی

| مدل فرایندی سیاستگذاری فرهنگی در نهادها و سازمان های فرهنگی ایران | | | | | | | | | | دستورگذاری | سال مطالعه | نظریه پرداز | ردیف | | | | | | | | |
|---|---|---|--|---|----------------------------------|---|---|--|---|------------|------------|-------------|------|--------------------|--|---------------------|------------------------|--|-----------------------------|---|---------------------------|
| بازخورد | | ارزیابی سیاست | | | اجرای سیاست | | تصویب | تنظیم سیاست | | | | | | تحلیل مسائل فرهنگی | | | | | | | |
| میزان تغییر و اصلاح در دستورگذاری سیاست فرهنگی | میزان تغییر و اصلاح در تنظیم سیاست فرهنگی | ارزیابی میزان تحقق سیاست فرهنگی با چشم انداز فرهنگی | ارزیابی تاثیرات سیاست فرهنگی بر جامعه (پایه) | ارزیابی تاثیرات سیاست فرهنگی بر گروه های هدف (اثر بخشی) | نظارت بر نحوه اجرای سیاست فرهنگی | اجرای سیاست فرهنگی توسط نهادهای دولتی، تعاونی، مدنی و خصوصی | تدوین بخشنامه ها، آیین نامه ها، دستورالعمل های اجرایی بر تپ با سیاست فرهنگی | ابلاغ مصوبه سیاست فرهنگی به قوای سه گانه مجریه، مقننه و قضائیه | قانونی نمودن سیاست فرهنگی در مجلس و یا نهاد سیاستگذاری فرهنگی | | | | | | جذب حمایت سیاسی و پشتیبانی برای تصویب سیاست فرهنگی | پد برش سیاست فرهنگی | طراحی سیاست های فرهنگی | انتخاب سیاست فرهنگی از بین گزینه های مختلف | ارزیابی راه حل های پیشنهادی | ارائه راه حل های پیشنهادی و برقراری معیار های ارزیابی | اولویت گذاری مسائل فرهنگی |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۱ | لاسول | ۱۹۵۶ | |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۲ | هتری و دیگران | ۱۹۷۶ |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۳ | استوکی و زیگهاروزر | ۱۹۷۸ |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۴ | مک رای و وایلد | ۱۹۷۹ |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۵ | بوکهلوز | ۱۹۸۵ |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۶ | کوید | ۱۹۸۹ |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۷ | بارکنیوس | ۱۹۹۸ |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۸ | ویمر و وینینگ | ۱۹۹۹ |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۹ | والکر | ۲۰۰۰ |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۱۰ | پاردون و دیگران | ۲۰۰۱ |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۱۱ | فاهرنکوگ و دیگران | ۲۰۰۲ |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۱۲ | کرفت و فورلانگ | ۲۰۰۳ |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۱۳ | هاولت و دیگران | ۲۰۰۳ |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۱۴ | آلتاوس و دیگران | ۲۰۰۴ |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۱۵ | هیل | ۲۰۰۵ |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۱۶ | جان و وگرپیچ | ۲۰۰۷ |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۱۷ | لین و دیگران | ۲۰۱۰ |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۱۸ | دان | ۲۰۱۱ |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۱۹ | کایرنی | ۲۰۱۲ |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۲۰ | دای | ۲۰۱۲ |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۲۱ | وو و دیگران | ۲۰۱۲ |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۲۲ | پتون و دیگران | ۲۰۱۳ |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۲۳ | دنهارت و دیگران | ۲۰۱۳ |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۲۴ | سکچی | ۲۰۱۴ |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۲۵ | اپکو و چرمن | ۲۰۱۴ |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۲۶ | فیس | ۲۰۱۵ |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۲۷ | کشورچین | ۲۰۱۳ |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۲۸ | کشوراسترالیا | ۲۰۰۳ |
| * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | * | ۲۹ | کشوربریتانیا | ۲۰۱۱ |

مقایسه مدل‌های موجود سیاستگذاری با مدل پیشنهادی نشان می‌دهد که این مدل نسبت به همه مدل‌ها از جامعیت بیشتری برخوردار بوده و سیاستگذاری فرهنگی را در ابعاد کامل‌تری بررسی کرده است. این مدل توجه جدی به شبکه ذینفعان و نقش آنها در اجرای سیاستگذاری فرهنگی یعنی مردم، سازمان‌ها و مجریان دارد در نتیجه، می‌تواند تا حد ممکن پاسخگوی نیاز کشور در حوزه اجرای سیاست‌های فرهنگی باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

همان‌گونه که اشاره شد مدل‌های مختلفی توسط محققین از سال ۱۹۵۶ تاکنون به منظور تدوین فرایند سیاستگذاری ارائه شده است که برخی از فرایندها چرخه‌ای و برخی خطی می‌باشند. مدل پیشنهادی این پژوهش نیز سیستمی و فرایندی بوده و مرحله بازخورد نیز به طور دقیق در آن مدنظر قرار گرفته است که از طریق مقایسه و تحلیل محتوای کیفی مدل‌های موجود و نتایج مصاحبه با خبرگان فرهنگی بدست آمده است. این مدل از جهت جامعیت نسبی بالایی که دارد بر مدل‌های پیشین برتری دارد و سعی شده نه تنها واقع‌گرایانه، نظام‌مند و پویا تدوین شود و با سیستم سیاستگذاری کلان فرهنگی کشور سازگار باشد، بلکه امکانات و ظرفیت‌های موجود جامعه را نیز مدنظر قرار داده و تمامی مراحل که در سایر مدل‌ها وجود دارد و همچنین مراحل دیگری که در تمامی مدل‌های مطرح شده تاکنون از آنها غفلت شده است را با دلایل منطقی در خود داشته باشد.

در این مدل روابط بین مراحل و گام‌های مختلف به صورت دقیق تدوین شده و تعامل و ارتباط مناسبی بین متغیرهای درون سیستم و محیط و همچنین بین فرایندهای تدوین برنامه (فرایندهای دستورگذاری، تنظیم و تصویب سیاست فرهنگی)، اجرا و ارزیابی (فرایندهای ارزیابی و بازخورد سیاست فرهنگی) برقرار گردیده تا سازمان‌های فرهنگی بتوانند به اهداف فرهنگی

خود نائل شوند. به مسئولین و متولیان سیاستگذاری در سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی توصیه می‌شود در طول تمامی شش مرحله اصلی فرایند سیاستگذاری فرهنگی همواره به دو نکته توجه داشته باشند یکی عقلانیت و اصول و منطق متعارف و دیگری در نظر گرفتن محدودیت‌های شناختی و سازمانی در فرایند سیاستگذاری فرهنگی و تلاش برای رفع آنها است که بدین منظور لازم است سازمان‌ها با بکارگیری یک تیم تحلیل‌گر و تشکیل کمیته‌های خبرگی، مدل پیشنهادی را سر لوحه کار خود دهند و با اجرای مراحل و گام‌های فرایند سیاستگذاری نه تنها کمبودهای مشخص شده در مدل‌های موجود را برطرف کنند، بلکه مکانیسمی را برای بهبود چرخه سیاستگذاری فرهنگی ارائه دهند. مزایای این مدل پیشنهادی را می‌توان به صورت زیر خلاصه نمود:

- ۱- امعیت نسبی مدل نسبت به سایر مدل‌های موجود.
 - ۲- جه به عقلانیت و اصول کلی در فرایند سیاستگذاری فرهنگی.
 - ۳- مادگی برای مواجهه با نتایج سیاست فرهنگی در همان مرحله تدوین سیاست.
 - ۴- جه به دیدگاه‌های ذینفعان و مجریان درکل فرایند سیاستگذاری فرهنگی.
 - ۵- به کارگیری یک تیم تحلیل‌گر و تشکیل کمیته‌های خبرگی در فرایند سیاستگذاری فرهنگی.
 - ۶- افزودن ارزیابی پیشین به فرایند سیاستگذاری فرهنگی با توجه به اهداف زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی.
 - ۷- اجرای فرایند سیاستگذاری فرهنگی با مشارکت سازمان‌های فرهنگی خصوصی و مردمی.
- برخی از پیشنهادهایی که می‌تواند برای تحقیقات آینده مدنظر محققین قرار گیرد عبارتند از:
- ۸- ارائه الگوی سیاستگذاری فرهنگی در سازمان‌ها

و نهادهای فرهنگی در محیط‌های آشوب.
۹- مقایسه مدل‌های فرایند سیاستگذاری فرهنگی در سازمان‌های فرهنگی ایران با سایر کشورها.

فهرست منابع

صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۹). انسجام ملی و تنوع فرهنگی، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک.
قلی‌پور، رحمت‌اله و ابراهیم غلام پورآهنگر (۱۳۸۹). سیاستگذاری عمومی در ایران. تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
ذکایی، سعید، محمد شفیعی، سمیه سادات (۱۳۸۹). کالبد شکافی سیاستگذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره بیستم.
استونر، جیمز و ادوارد فریمن (۱۳۹۳). مدیریت، ترجمه علی پارساییان و سید محمد اعرابی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، جلد دوم.
الوانی، سید مهدی (۱۳۹۵). تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی‌گذاری دولتی، تهران، انتشارات سمت، چاپ بیستم.
سرمد، زهره، عباس بازرگان و الهه حجازی (۱۳۹۵). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران، انتشارات آگاه، چاپ یازدهم.
بابایی، سحر و غلامرضا توکلی (۱۳۹۴). تدوین مدل فرایندی سیاستگذاری در سازمان‌های دولتی، پایان نامه دکتری مدیریت دولتی گرایش تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری عمومی؛ دانشگاه علامه طباطبایی.
کوره پزان دزفولی، امین (۱۳۸۷). اصول تئوری مجموعه‌های فازی و کاربردهای آن در مدل‌سازی مسائل مهندسی آب، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی امیرکبیر.
الوانی، سید مهدی و فتاح شریف‌زاده (۱۳۹۳). فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران، انتشارات

دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ چهاردهم.
قاسمی، وحید (۱۳۹۲). سیستم‌های استنباط فازی و پژوهش‌های اجتماعی، تهران، نشر جامعه‌شناسان، چاپ دوم.

دانش فرد، کرم‌اله (۱۳۸۸). فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران، انتشارات واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی ایران، چاپ اول.
محمدپور، احمد و مهدی رضایی (۱۳۸۷). درک معنایی پیامدهای ورود نوسازی به منطقه اورامان کردستان ایران به شیوه پژوهش زمینه‌ای، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره نهم، شماره ۱ و ۲.

Klein, R (2017). Policy emergence. An agent-based approach. to obtain the degree of Master of Science in Deft University of Technology.

Gajic, Marija (2011). A brief outlook of cultural policies- challenges and importance. (with case of Serbia) ICD- a forum for young leaders. The future of EU foreign policy (Berlin, 4th-9th January 2011).

Hatry, Harry. Louis Blair, Donald Fisk, and Wayne Kimmel (1976). Program Analysis for State and Local Governments (Urban Institute).

MacRae, Duncan .Jr. and James A. Wilde (1979). Policy Analysis for Public Decisions" (North Scituate, MA: Duxbury Press).

Buchholz, Rogene (1985). Essentials of Public Policy for Management, Prentice hall Publication.

Quade, Edward S (1989). Analysis for Public Decisions, (third Edition), Pearson Publication.

Riberio de Oliveira, Lilian & Claudia Souza Passador.(2019). public policy evaluations. Cad. EBAPE.BR vol.17 no.2 Rio de Janeiro Apr./June 2019 Epub May 30.

Lindblom, Charles E (1992). The Policy Making Process, Yale University, published.

Barkenbus, Jack (1998). Expertise and the Policy Cycles, Energy, Environment and Resources Center.

Weimer, David; R.Vining, Aidan (2010). Policy Analysis: Concepts and Practice. Taylor & Francis Publication, (fifth edition).

- Dye, Thomas R (2016). *Understanding Public Policy*". 15th Edition, Pearson. New Jersey, Florida State University.
- Denhart, Robert; Denhart, Janet; Blanc, Tara (2013). *Public Administration: An Action Orientation*, wadsworth Publication.
- Patton, Carl V. David S. Sawicki, Jennifer J. Clark (2013). *Basic Methods of Policy Analysis and Planning*, (third Edition), Pearson Publication.
- Secchi, L (2014). *Políticas públicas: conceitos, esquemas de análise, casos práticos*. 2. ed. São Paulo: Cengage Learning.
- Epko Nta, Esq. Chairman (2014). *Governance and the public policy process: Transforming Nigeria into a Truly Modern Society*, a public lecture, Annual Inaugural Public Lecture.
- Ferris, Tom (2015). *Reflections on the Public Policy Process in Ireland*, *Journal of Administration*. Volume 62.
- Ghavifekr, Simin; Hussin, Sufean; Faizal A. Ghani, Muhammad (2011). *The process of Malaysian smart school policy cycle: A Qualitative Analysis*. *Journal of Research and Reflections in Education*, Vol.5, No.2.
- Ahrens, Nathaniel (2013). *China's Industrial Policy Making Process*, A Report of the Center for Strategic and International Studies hills Program on governance.
- H M Treasury (2011). *The Magenta Book: Guidance for evaluation*, UK Government.
- Champon, Andrew. Benjamin McLellan. Tetsuo Tezuka (2016). *Strengthening the Energy Policy Making Process and Sustainability Outcomes in the OECD through Policy Design*.
- Cheng, ching-Hsue & Lin, Yin (2002). *Evaluating the best mail battle tank using fuzzy decision theory with linguistic criteria evaluation*. *European journal of operation research*. vol, 142.
- Freeman, B (2013). *Revisiting the Policy Cycle*; Association of Tertiary Education Management, *Developing Policy in Tertiary Institutions*, Northern Metropolitan Institute of TAFE: Melbourne, Australia.
- Birkland, T (2007). *Agenda Setting in Public Policy*. In *Handbook of Public Policy Analysis: Theory, Politics, and Methods*; Fischer, F, Miller, G.J, Sidney, M.S, Eds; CRC Press: New York, NY, USA.
- Walker, Warren (2000). *Policy Analysis: A Systematic Approach to Supporting Policy Making in the Public Sector*, *Journal of Multi-Criteria Decision Analysis*, Volume 9.
- Purdon, Susan. Carli Lessof, Kandy Woodfield and Caroline Bryson (2001). *Research Methods for Policy Evaluation*, National Centre for Social Research.
- Fahrenkrog, G, Polt, W, Rago, J, Tubke, A, Zinocker, /k, Arvanitis, S, et al (2002). *RTD Evaluation Tool box-assessing the Socio-Economic Impact of RTD-Policies*. (G. Fahrenkrog, W. Polt, J. Rago, A. Tubke, & K. Zinocker, Eds) Seville, Spain: European Commission.
- Howlett, M & Ramesh, M and Perl A (2009). *Study Public Policy: Policy Cycles and Policy Subsystems*. Ontario: Oxford University press.
- Kraft, Micheal E & Scott R. Furlong (2017). *Public Policy: Politics, Analysis, and Alternatives*, Sixth Edition, Calif: SAGE Publication.
- Althaus, C, Bridgman, P and Davis, G (2013). *The Australian Policy Handbook*, Allen & Unwin, Sydney, 5th Ed. Chpt 3, 'A Policy Cycle'.
- Hill, Michael; Varone, Frederic (2005). *The Public Policy Process*, Harlow, England, Pearson-longman, (forth Edition).
- Jahn, Werner, and Kai Wegrich (2007). *Theories of the policy cycle*. In *Handbook of public policy analysis: Theory, politics, and methods*, ed. F. Fischer, G.J. Miller, and M.S. Sidney, Boca Raton: Taylor and Francis.
- Lin, Chun-hsu .Lihchiyi Wen, Yue-mi Tsai (2010). *Applying decision-making tools to national e-waste recycling policy: An example of Analytic Hierarchy Process*. *Journal of Waste Management*. May; 30(5).
- Dunn, William (2011). *Public Policy Analysis*, Routledge Publication.
- Cairney P (2012). *Understanding public policy: theories and issues*. Hampshire: Palgrave MacMillan.
- Reda, Lolw (2018). *Understanding policy cycles*. <http://egypttoday.com/Article> . The magazine of Egypt.
- Wu, X, Ramesh, M, Howlett, M & Fritzen, S. A (2018). *The public policy primer: Managing the policy process*. New York: Routledge.

Small Business Economics, 44 (3).

Weible, Christopher M & Paul A Sabatier. (2018). Theories of the Policy Process, New York, NY: Westview Press, Fourth edition.

Chen, H. T (2005). Practical Program Evaluation". Sage Publications. Inc. 58.

Weible, C. M & Carter, D P (2017). Advancing policy process research at its overlap with public management scholarship and nonprofit and voluntary action studies. Policy Studies Journal, 45.(1) .

Jurado, Tanya & battisti Martina (2019). The evolution of SME policy: the case of New Zealand. Regional studies, regional science. volume 6.

Miller, H. T & Demir, T (2007). Policy communities, In F. Fischer, G. J. Miller & M. J. Sidney (Eds), Handbook of public policy analysis: Theory, politics and methods, New York: CRC Press.

Pestoff, V. A, Brandsen, T & Verschuere, B (2012). New public governance, the third sector and co-production. New York: Routledge.

Arshed, N (2017). The origin of policy ideas: The importance of think tanks in the enterprise policy process in the UK. Journal of Business Research, 71.

Battisti, M & Perry, M (2015). Small enterprise affiliations to business associations and the collective action problem revisited.

یادداشت

¹ Lasswell

² Hatry

³ Stokey & Zeckhauser

⁴ MacRae & Wild

⁵ Buchholz

⁶ Quade

⁷ Lindblom

⁸ Barkenbus

⁹ Weimer & Vining

¹⁰ Walker

¹¹ Purdon

¹² Fahrenkrog

¹³ Howlett & Ramesh & Perl

¹⁴ Kraft & Furlong

¹⁵ Althaus & Bridgman & Davis

¹⁶ Hill

¹⁷ Jahn & Wegrich

¹⁸ Cairney

¹⁹ Wu

²⁰ Denhart

²¹ Patton & Sawicki & Clark

²² Secchi

²³ Epko & Chairman

²⁴ Ferris

²⁵ Ahrens

²⁶ The Magenta Book: Guidance for evaluation

²⁷ Policy Legitimation

²⁸ Fuzzy Inference System (FIS)

²⁹ Defuzzification methods

³⁰ Battisti & Perry

³¹ Sabatier & Weible

³² Cost- Effectivity

³³ Cost- Usefulness